

## تأثیر علایق ژئوپلیتیک بازیگران حوزه‌ی دریای عمان بر تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران

فضل‌الله نودری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۱/۲۰

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۵/۰۳/۲۷

صفحات مقاله: ۳۵ - ۷۲

### چکیده:

فضای ژئوپلیتیک هر کشور یا منطقه‌ای تحت تأثیر عوامل مختلف با کارکردهای متفاوت می‌تواند در طیفی از شرایط کاملاً مساعد تا شرایط نامساعد قرار داشته باشد و بازیگران نظام بین‌الملل تحت تأثیر اهداف خاص خود می‌کوشند تا محیط ژئوپلیتیک آن کشور یا منطقه را تعریف و تبیین نمایند. حوزه‌ی دریای عمان و کشورهای پیرامونی آن مشتمل بر ایران، پاکستان، عمان و امارات متحده عربی که به‌عنوان بخشی از حوزه‌ی ژئواستراتژیک اقیانوس هند محسوب می‌شود، یک محیط نسبتاً ناشناخته و مغفول در ابعاد مختلف از جمله عوامل و علایق ژئوپلیتیکی مرتبط با مسائل دفاعی است.

بنابراین، در پژوهش حاضر تلاش شده تا با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و به‌صورت کاربردی پس از انجام مطالعات نظری و محیط‌شناسی حوزه‌ی دریای عمان، علایق ژئوپلیتیکی کشورهای ساحلی و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که بر تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در این حوزه مؤثر می‌باشند، شناسایی و تبیین می‌گردد.

\* \* \* \* \*

### واژگان کلیدی

تأثیر علایق ژئوپلیتیک، بازیگران حوزه‌ی دریای عمان، تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران، فضای ژئوپلیتیک، حوزه‌ی ژئواستراتژیک اقیانوس هند، قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای.

۱ - استادیار رشته علوم دفاعی راهبردی و عضو هیات علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع).

## مقدمه

حوزه‌ی دریای عمان یک منطقه‌ی جغرافیایی است که در جنوب شرقی کشور جمهوری اسلامی ایران واقع شده است و به‌عنوان مکمل ژئوپلیتیکی حوزه‌ی خلیج فارس محسوب می‌گردد. از لحاظ تاریخی، در زمان‌های گذشته مجموع دریای عمان و خلیج فارس را دریای پارس می‌نامیدند و در برهه‌ای از زمان، با توجه به واقع شدن دریای عمان در کنار سواحل گسترده‌ی مکران در جنوب شرق ایران، از این دریا به‌عنوان دریای مکران یاد می‌شده است و با نفوذ قدرت‌های استعمارگر اروپایی در این منطقه و حضور آنها با هدف استقرار نظام سلطه و دستیابی به منابع کلان منطقه که با ایجاد مستعمرات و پایگاه‌های عمده در شبه‌قاره‌ی هند و برخی از کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس صورت گرفت و در پی سیاست‌های استعماری نظام سلطه‌ی بریتانیا، این دریا به دریای عمان تغییر نام یافت.

در وضعیت کنونی حوزه‌ی دریای عمان به‌عنوان یک محیط نسبتاً ناشناخته در ابعاد مختلف از جمله مغفول واقع شدن نقش عوامل و علایق ژئوپلیتیکی کشورهای پیرامونی و سایر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این حوزه و در ارتباط با مسائل دفاعی کشور محسوب می‌گردد که این موضوع موجب از دست رفتن بسیاری از فرصت‌ها و افزایش و نزدیکی تهدیدات علیه منافع ملی کشور در این حوزه خواهد شد. بنابراین، با توجه به این که اتخاذ راهبرد دفاعی در حوزه‌ی دریای عمان برای کشور به منظور تأمین منافع ملی، اجتناب‌ناپذیر است و از طرفی تدوین راهبرد دفاعی مطلوب در این حوزه نیز مستلزم شناخت و تبیین دقیق عوامل و علایق ژئوپلیتیکی به‌ویژه توجه به میزان تأثیر این عوامل بر راهبرد مزبور و روابط با سایر بازیگران در نظام بین‌الملل می‌باشد؛ بنابراین، مسأله‌ی اصلی در این تحقیق عبارت است از: «شناسایی عوامل و علایق ژئوپلیتیکی کشورهای ساحلی و سایر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مؤثر در حوزه‌ی دریای عمان و تعیین میزان تأثیر این عوامل بر تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در این حوزه».

بنابراین در راستای اهمیت و ضرورت این تحقیق می‌توان چنین اشاره نمود که با دستیابی به این مهم گام مؤثری در جهت کمک به تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی

ایران در حوزه دریای عمان که در آینده توسط سایر محققین صورت خواهد گرفت، برداشته خواهد شد و از طرفی موجب برداشت صحیح از ارزیابی عوامل و علایق ژئوپلیتیکی بازیگران مؤثر در این حوزه با کارکردهای متفاوت و همچنین درک مناسبی از تهدیدات بالقوه و بالفعل دفاعی کشور و کسب آمادگی دفاعی مؤثر نیروهای مسلح با توجه به حضور نیروهای نظامی فرامنطقه‌ای در این حوزه می‌شود و عدم توجه به این عوامل در حوزه دریای عمان، کشور را در استفاده از نقاط قوت و فرصت‌ها ناتوان و در مقابل نقاط ضعف و تهدیدات (بالقوه و بالفعل) نیز آسیب‌پذیر خواهد نمود.

هدف این پژوهش مبتنی بر شناخت عوامل و علایق ژئوپلیتیکی مرتبط با مسائل دفاعی کشورهای ساحلی و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مؤثر در حوزه دریای عمان و تعیین میزان تأثیر این عوامل بر تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در این حوزه می‌باشد و در این راستا، سؤال تحقیق نیز عبارت است از عوامل و علایق ژئوپلیتیکی مرتبط با مسائل دفاعی کشورهای ساحلی و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مؤثر در حوزه دریای عمان کدامند و تأثیر این عوامل بر تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در این حوزه به چه میزان است؟

در این پژوهش با توجه به استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و اکتشافی بودن مطالعات محیطی، نگارنده از فرضیه‌سازی و محدود نمودن تحقیق در این زمینه، خودداری نموده و در ادامه، روند تحقیق به صورت مسأله محور و بر اساس هدف و سؤال پژوهش دنبال شده است. هم‌چنین در این تحقیق عوامل و علایق ژئوپلیتیکی کشورهای ساحلی و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مؤثر در حوزه دریای عمان به‌عنوان متغیر مستقل و تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان متغیر وابسته مدنظر قرار گرفته است.

### روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر نوع تحقیق، «کاربردی» و از لحاظ روش تحقیق، به روش «توصیفی - تحلیلی» انجام شده است. هم‌چنین با توجه به تخصصی بودن موضوع تحقیق و محدودیت وجود صاحب‌نظران، خبرگان و کارشناسان متخصص مرتبط با مسائل ژئوپلیتیک حوزه دریای عمان در

سطح نیروهای مسلح و دستگاه‌های کشوری و مراکز دانشگاهی، جامعه‌ی آماری برای پرسش‌نامه و مصاحبه‌ی این تحقیق نیز که بتواند نیازهای علمی آن را برآورده سازد، ۳۴ نفر برآورد شده است (این برآورد بر اساس مشورت با افراد خبره و صاحب‌نظر در این موضوع به‌دست آمده است). بنابراین، با توجه به حجم محدود جامعه‌ی آماری، جامعه‌ی نمونه‌ی تحقیق نیز همان جامعه‌ی آماری است که دارای ویژگی‌هایی از قبیل؛ (۱) دارای سابقه‌ی خدمت در مشاغل راهبردی و یا در جایگاه شغلی سرتیپی (در سطوح کشوری و لشکری) (۲) دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر (۳) آشنایی نسبتاً مناسب با مسائل راهبردی و ژئوپلیتیک (۴) آشنایی نسبتاً مناسب با حوزه‌ی مورد مطالعه می‌باشند و به صورت تمام شمار به آنها رجوع شده است. در این تحقیق با استفاده از روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای از طریق مطالعه کتب و مقالات به روش فیش‌برداری و با بررسی اسناد و مدارک علمی، پژوهشی و نقشه‌های جغرافیایی موجود در کتابخانه‌ها و اسناد و مدارک رسمی موجود نزد سازمان‌ها و نهادهای ذیربط در مسائل ژئوپلیتیک حوزه‌ی دریای عمان و امور دفاعی کشور مرتبط با حوزه تحقیق اطلاعات مورد نیاز گردآوری شده است. هم‌چنین با استفاده از روش تحقیقات میدانی و با بهره‌گیری از مصاحبه با افراد صاحب‌نظر مرتبط با مسائل ژئوپلیتیک و امور دفاعی و با تهیه و توزیع پرسش‌نامه بین صاحب‌نظران و خبرگان جامعه نمونه آماری و با استفاده از مشاهدات میدانی محقق در مناطق جنوب و جنوب شرق کشور (سواحل مکران) نیز اطلاعات موردنیاز جمع‌آوری شده است.

قلمرو تحقیق از نظر جغرافیای مکانی، شامل دریای عمان و بخش‌هایی از سواحل کشورهای ایران، پاکستان، عمان و امارات متحده عربی در پیرامون دریای مزبور می‌باشد و از نظر قلمرو موضوعی، در این تحقیق به بررسی عوامل و علایق ژئوپلیتیکی کشورهای ساحلی و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مؤثر در حوزه‌ی دریای عمان و تأثیر آن بر راهبرد دفاعی پرداخته شده است و از نظر قلمرو زمانی، احتمالاً نتایج این تحقیق تا حدود ده سال آینده قابل استفاده می‌باشد. در تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای EXEL و SPSS، از روش‌های آماری جداول توصیفی و نمودارهای استنباطی توزیع فراوانی داده‌ها و محاسبه میانگین آنها استفاده شده است و سپس برای بیان درصد میزان اطمینان از سطح معنادار بودن پاسخ جامعه‌ی نمونه آماری به سؤالات پرسش‌نامه تحقیق (با

ضریب اطمینان ۹۵٪ و با خطای حداکثر زیر ۵٪، از روش آماری آزمون خی ۲ و هم‌چنین از روش فریدمن برای احصای رتبه‌بندی، وزن‌دهی و نرمال‌سازی عوامل و علایق ژئوپلیتیک مؤثر بر تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در حوزه دریای عمان، استفاده شده است.

در خصوص چگونگی انجام مصاحبه و تهیه و توزیع پرسش‌نامه و روایی و پایایی آن، ابتدا پرسش‌نامه‌ای بر اساس یافته‌های مطالعات نظری و محیط‌شناسی ژئوپلیتیکی متناظر با عوامل و علایق ژئوپلیتیک کشورهای ساحلی و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مرتبط با مسائل دفاعی کشور در حوزه‌ی دریای عمان در قالب ۱۴ سؤال بسته و یک سؤال باز پس از مصاحبه با برخی از افراد خبره و صاحب‌نظر مرتبط با موضوع و اخذ نظر آنها برای بررسی میزان تأثیر هر یک از عوامل و علایق ژئوپلیتیک بازیگران حوزه‌ی دریای عمان در تدوین راهبرد دفاعی کشور طراحی گردید و در ادامه پس از توزیع پرسش‌نامه بین افراد جامعه‌ی نمونه آماری و جمع‌آوری و بررسی پاسخ آنها و پیرو مشورت و مصاحبه مجدد با برخی از افراد صاحب‌نظر و خبره مرتبط با موضوع، از بین موارد پیشنهادی که توسط برخی از پاسخ‌دهندگان جامعه آماری در قالب سؤال باز پرسش‌نامه مطرح گردیده بود، نسبت به احصای عوامل ژئوپلیتیکی جدید اقدام و در قالب پرسش‌نامه دوم با ۱۷ سؤال بسته و یک سؤال باز تنظیم و مجدداً بین جامعه نمونه آماری جهت اخذ نظر آنان توزیع شد و در ادامه محقق پس از جمع‌آوری پاسخ پرسش‌نامه‌ها و استخراج و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری نسبت به تعیین عوامل و علایق ژئوپلیتیک کشورهای ساحلی و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مؤثر در حوزه‌ی دریای عمان و هم‌چنین تعیین میزان تأثیر آنها بر تدوین راهبرد دفاعی کشور اقدام گردید. با توجه به تخصصی بودن موضوع تحقیق و محدودیت وجود افراد صاحب‌نظر و خبره مرتبط با موضوع و حوزه‌ی مورد مطالعه در سطح نیروهای مسلح، دستگاه‌های کشوری و مراکز دانشگاهی و نیز تمام شمار بودن جامعه‌ی آماری و طراحی و توزیع سؤالات پرسش‌نامه در دو نوبت می‌توان با درصد اطمینان بالایی نتیجه‌گیری نمود که سؤالات پرسش‌نامه‌ی مزبور از اعتبار و روایی نسبتاً بالایی برخوردار می‌باشد. از طرفی برای بالا بردن پایایی پرسش‌نامه تحقیق، با توجه به ویژگی‌های جامعه نمونه آماری و مصاحبه مجدد با برخی از آنها در خصوص بعضی از داده‌ها تا حد اشباع، چنانچه سؤالات مزبور به گونه‌ای دیگر و در زمان‌های مختلف مطرح گردد، به نظر می‌رسد

پاسخ‌ها تقریباً یکسان خواهد بود که از این نظر می‌توان اظهار نمود پرسش‌نامه تحقیق حاضر از پایایی نسبتاً بالایی برخوردار می‌باشد.

### ادبیات و مبانی نظری تحقیق

**ژئوپلیتیک:** ساده‌ترین تعریفی که جغرافی‌دانان از ژئوپلیتیک کرده‌اند، این است که ژئوپلیتیک به مطالعه‌ی اثر عوامل جغرافیایی روی سیاست‌های دگرگون‌شونده‌ی جهانی می‌پردازد (تقوی اصل، ۱۳۸۷: ۲۷) به تعبیر دیگر، تجزیه و تحلیل عوامل جغرافیایی و تعیین تأثیر این عوامل بر روابط قدرت میان ملت‌ها و ائتلاف‌ها را ژئوپلیتیک می‌نامند. (چگینی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۱۷۱) ژئوپلیتیک به‌عنوان تحلیل تعامل میان زمینه‌های جغرافیایی و دیدگاه‌های مرتبط با آن از یک سو و فرآیندهای سیاسی از سوی دیگر تعریف می‌شود. بنابراین، زمینه‌های جغرافیایی و فرآیندهای سیاسی هر دو پویا بوده و بر یکدیگر تأثیر گذاشته و تأثیر می‌پذیرند. ژئوپلیتیک پیامدهای این تعامل را مورد توجه و بررسی قرار می‌دهد. (کوهن، ۱۳۸۷: ۴۲) هم‌چنین حافظ‌نیا در این رابطه می‌گوید: «ژئوپلیتیک عبارت است از علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت، سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر». (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۷)، با این وصف در این پژوهش به تعریف منتخب فوق به دلیل جامعیت نسبی آن نسبت به سایر تعاریف استناد می‌شود.

**عوامل ژئوپلیتیک:** محیط و عوامل جغرافیایی در چگونگی و شکل‌دهی سیاست نقش اساسی دارند. این مفهوم به معنای «نقش عوامل جغرافیایی در سیاست» می‌باشد که معنای عمومی و سستی عوامل ژئوپلیتیک است. (حافظ‌نیا، ۱۳۷۶: ۳) بنابراین، در یک منطقه‌ی ژئوپلیتیکی عوامل و متغیرهای طبیعی و انسانی آن دارای کارکرد سیاسی بوده و نظر دولت‌ها و کشورهای درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای، به‌ویژه قدرت‌های جهانی را به خود جلب می‌کند و کنش و واکنش آنها و پیدایش الگوی رقابت، همکاری و نزاع را بر می‌انگیزد. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۱) در نتیجه، از جمله عوامل شناخته شده ژئوپلیتیک می‌توان به موقعیت‌های راهبردی و ژئواستراتژیک، موقعیت‌های ارتباطی، دریایی و ساحلی، وضعیت‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی و نوع و میزان منابع طبیعی، کمیّت و کیفیت منابع انسانی و... اشاره کرد. (همان: ۱۴)

**علایق ژئوپلیتیک:** عبارت است از مکمل‌های فضایی و جغرافیایی مفروض در ماورای مرزها که به لحاظ ساختاری از تجانس برخوردار بوده و به لحاظ کارکردی تأمین‌کننده نیازها و کاستی‌های یک کشور محسوب می‌گردد. تعلق ژئوپلیتیک به نوعی زیر بنای علانق و منافع ملی کشورها را تشکیل می‌دهد و ناظر بر مواردی هست که با تمام یا بخشی از خصیصه‌های طبیعی و انسانی کشور تجانس و همگونی دارند و یا مواردی هستند که تأمین‌کننده احتیاجات کشور در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، تجاری، ارتباطی، فرهنگی، اجتماعی، دینی، علمی، فناوری، نظامی، امنیتی، حیثیتی یا زیست‌محیطی می‌باشند و کشور به آنها دلبستگی و علاقه دارد. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۲۰)

**راهبرد دفاعی:** «جی. ال. تامپسون»<sup>۱</sup>، راهبرد را سازگاری و انطباق میان منابع، فرهنگ، ارزش‌ها و محیط با هدف‌های سازمان می‌داند و معتقد است که با تجزیه و تحلیل نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها، چارچوب مناسب و مفیدی برای تنظیم راهبرد فراهم می‌شود و بدین طریق، سازمان می‌تواند منابع در اختیار را با شرایط و عوامل متغیر محیطی تطبیق دهد. (چگینی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۳۰) هم‌چنین «سرهنگ آرتور لایک»، استاد دانشگاه جنگ آمریکا، راهبرد را سازگاری و انطباق نتایج مورد انتظار (اهداف) با راه‌ها یا تدابیر و ابزارها یا منابع می‌داند و به بیان دیگر، راهبرد را پلی بین هدف‌ها و منابع به شمار می‌آورد. (چگینی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۱۲۹) از طرفی «راهبرد دفاعی» عبارت است از چگونگی توزیع و به‌کارگیری منابع، مقدرات و ابزارهای ملی برای تأمین اهداف دفاعی (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۳) بنابراین، راهبرد دفاعی برخلاف راهبرد نظامی، کاربردی فراتر از امور نظامی صرف دارد و به‌عنوان یکی از ارکان مهم و زیرمجموعه‌ی راهبرد ملی کشورها مورد توجه راهبردارها و سیاستمداران قرار دارد. (رشید، ۱۳۸۶: ۴۲)

**حوزه‌ی دریای عمان:** سرزمین‌های پیرامونی دریای عمان متعلق به چهار کشور ایران، عمان، امارات متحده عربی و پاکستان است که این کشورها از طریق دریای عمان به اقیانوس هند متصل می‌شوند. در بین این کشورها، ایران بیشترین خط کرانه‌ای را در سواحل دریای

۱ - John.L.Thompson.

عمان و حتی در سواحل خلیج فارس دارا می‌باشد. در نتیجه، حوزه دریای عمان یک منطقه‌ی جغرافیایی است که در جنوب شرقی کشور جمهوری اسلامی ایران واقع شده است و به‌عنوان مکمل ژئوپلیتیکی حوزه‌ی خلیج فارس محسوب می‌گردد. از لحاظ تاریخی، در زمان‌های گذشته مجموع دریای عمان و خلیج فارس را دریای پارس می‌نامیدند و در برهه‌ای از زمان، با توجه به واقع شدن دریای عمان در کنار سواحل گسترده‌ی مکران در جنوب شرق ایران، از این دریا به‌عنوان دریای مکران یاد می‌شده است. (افشار، ۱۳۷۶: ۱۹)

#### چارچوب نظری تحقیق

در بررسی علایق ژئوپلیتیکی بازیگران نظام بین‌الملل و پیش‌بینی روند تحولات آینده‌ی آنها در یک حوزه توجه به این نکته ضرورت دارد که همکاری‌های دفاعی و امنیتی بین بازیگران نظام بین‌الملل زمانی ایجاد می‌شود که کشورها دارای منافع مشترکی باشند و یا این‌که با تهدیدات مشترک و همگونی روبه‌رو شوند. بنابراین، دیپلماسی دفاعی برای حداکثرسازی همکاری‌های راهبردی و امنیتی انجام می‌گیرد. (متقی، ۱۳۸۵: ۵۶) به‌طور کلی، یکی از پیچیده‌ترین و دشوارترین مراحل کار بررسی طراحان در ارزیابی محیطی، تعیین علایق ژئوپلیتیکی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و پیش‌بینی روند تحولات ژئوپلیتیکی و وضعیت‌های آینده‌ی کشورهای دوست، بی‌طرف و دشمن در منطقه‌ی مورد مطالعه است. عوامل گوناگونی بر وضعیت‌های جاری یک کشور در آینده تأثیر می‌گذارد که از جمله‌ی آنها می‌توان به عوامل عمده‌ای از قبیل تغییرات و تحولات سیاسی، عضویت یا خروج یک کشور از یک اتحادیه یا پیمان، اعطای کمک‌های نظامی و اقتصادی از جانب یک قدرت بزرگ به یک کشور، پیشرفت‌های علمی و فناوری یک کشور، رشد و افزایش جمعیت، جنبش‌ها و حرکت‌های استقلال طلبانه‌ی قومی، نژادی و مذهبی در یک کشور، تحولات اقتصادی و رشد و توسعه‌ی سریع اقتصادی، وقوع جنگ و مناقشات میان دو یا چند کشور و ... اشاره کرد که بایستی به هنگام تعیین روند وضعیت‌ها مورد توجه قرار گیرند. (چگینی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۸۲-۱۸۱)



از طرفی یکی از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری راهبرد دفاعی در کنار عواملی از قبیل ارزیابی وضعیت امنیتی محیط بین‌المللی، وضعیت تهدیدات و... عوامل ژئوپلیتیک است. چنانچه ژئوپلیتیک را به تعبیر دکتر حافظ‌نیا، علم مطالعه‌ی روابط متقابل جغرافیا، سیاست و قدرت و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر تصور نماییم، آنگاه می‌توان گفت که عوامل ژئوپلیتیک هم یک سری سیاست‌های متأثر از عوامل جغرافیایی است که منجر به ایجاد و تولید قدرت برای اتخاذ راهبرد دفاعی مناسب مبتنی بر یکی از محیط‌های همکاری، رقابت و یا منازعه می‌نماید. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که عوامل ژئوپلیتیک با راهبرد دفاعی ارتباط مستقیم داشته و در اتخاذ راهبرد به میزان زیادی تأثیرگذار می‌باشد و از همین جهت، بررسی و شناخت عوامل و علایق ژئوپلیتیک کشورها در یک حوزه حائز اهمیت است. (نوذری، ۱۳۹۱: ۵۶) در نتیجه، برای تدوین راهبرد دفاعی، چنانچه راهبرد امنیت ملی و سایر مبانی بالادستی آن مفروض گرفته شود، در این صورت با توجه به همپوشانی عوامل ژئوپلیتیک با بخش عمده‌ای از عوامل قدرت ملی، می‌توان با بررسی عوامل مزبور در قالب تحلیل محیطی و ارزیابی تأثیر آنها بر راهبرد دفاعی کشور، نسبت به تبیین و ارائه راهبردهای دفاعی در ابعاد مختلف اقدام نمود. بنابراین، در طرح راهبردهای دفاعی باید به جغرافیای انسانی و فیزیکی قلمروی خود و سرزمین بیگانه نیز توجه نمود. (لطفیان، ۱۳۷۶: ۸۵-۸۴) به‌رغم این که عوامل جغرافیایی عمدتاً در قلمرو عوامل طبیعی ملاحظه می‌شوند، اما برخی از عوامل جغرافیایی جنبه‌ی انسانی دارند. نظیر جمعیت، شیوه‌ی معیشت، الگوی ملت، سلسله‌مراتب سکونت‌گاهی و نظایر آن. بنابراین، با ملاحظه‌ی الگوهای مختلفی که از سوی صاحب‌نظران و دانشمندان مختلف درباره‌ی عوامل و متغیرهای تأثیرگذار بر قدرت ملی ارائه شده است، نشان می‌دهد که به‌طور مشخص بر مواردی از قبیل موقعیت راهبردی، موقعیت ژئوپلیتیکی، منابع زیرزمینی شامل منابع انرژی، منابع معدنی اعم از راهبردی و غیرراهبردی، وضع کمی و کیفی جمعیت و ملت و پراکنندگی نیروی انسانی در ارتباط با جغرافیا و ... تأکید شده است. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۷۶) از طرفی اغلب دانشمندان علوم جغرافیا، عوامل جغرافیایی را به دو دسته‌ی کلی یعنی عوامل طبیعی و عوامل انسانی تقسیم می‌کنند و برای عوامل طبیعی و انسانی نیز به نوبه‌ی خود مصادیق متعددی ذکر می‌نمایند. از بررسی مصادیقی که از سوی دانشمندان برای عوامل طبیعی و انسانی و به‌طور کلی

برای عوامل جغرافیایی بیان می‌شود، این نکته‌ی بارز قابل درک است که آنچه در صحنه‌ی سیاست و قدرت اتفاق می‌افتد، به هیچ وجه نمی‌تواند با عوامل جغرافیایی بی‌ارتباط باشد. (رشید، ۱۳۸۶: ۴۴-۴۳) در نتیجه، با توجه به مسأله محور و اکتشافی بودن این تحقیق، برای تعیین عوامل و علایق ژئوپلیتیک کشورهای ساحلی و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مؤثر در حوزه‌ی دریای عمان، محقق در این پژوهش ذهن خود را به عواملی که دارای ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه‌ی مرتبط با موضوع تحقیق دارند، معطوف نموده و از درگیر کردن ذهن و اندیشه‌ی خود به تقسیم‌بندی‌های اعتباری و قیود مرسوم که برای تعیین عوامل و موضوعات ژئوپلیتیک رایج می‌باشد، به منظور پیشگیری از انحراف ذهنی و جهت‌گیری‌های غیر واقع احتمالی اندیشه‌ی خود و جلوگیری از پیشداوری‌های نادرست، پرهیز نموده است. به همین دلیل در ابتدا از بیان همه‌ی عوامل و علایق ژئوپلیتیک بازیگران حوزه مبتنی بر تقسیم‌بندی‌های رایج صرف نظر شده است و به صورت کلی علایق ژئوپلیتیک بازیگران مؤثر در حوزه‌ی دریای عمان، در قالب جدول زیر که حاصل جمع‌بندی نظرات پیش‌گفته‌ی اندیشمندان و ژئوپلیتیسین‌ها می‌باشد، به‌عنوان چارچوب نظری تحقیق انتخاب و در ادامه به‌عنوان مبنای مطالعه محیطی قرار گرفته است تا پس از تحلیل واقعی و درک درست و کامل تری از محیط ژئوپلیتیک حوزه مورد مطالعه، عوامل و علایق مؤثر ژئوپلیتیک بازیگران حوزه‌ی دریای عمان مرتبط با مسائل دفاعی احصا و تعیین گردد.

جدول شماره‌ی ۱: چارچوب نظری تحقیق

عوامل ژئوپلیتیک	مؤلفه کلان ژئوپلیتیک
۱- علایق ژئوپلیتیک بازیگران محلی	علایق ژئوپلیتیک بازیگران مؤثر در حوزه
۲- علایق ژئوپلیتیک بازیگران منطقه‌ای	
۳- علایق ژئوپلیتیک بازیگران فرامنطقه‌ای	

### کلیات محیط‌شناسی ژئوپلیتیک حوزه دریای عمان

**تأثیر نقش ژئوپلیتیک دریای عمان بر ایران:** با توجه به نقش گذرگاهی دریای عمان و وجود ظرفیت‌های ژئوپلیتیک فوق‌العاده در سواحل مکران در زمینه‌های اقتصادی، امنیتی، دسترسی و ارتباطات منطقه‌ای و بین‌المللی شاهد اهمیت ژئوپلیتیک این دریا می‌باشیم که ضرورت ایجاد امنیت در این منطقه به منظور نیل به اهداف و منافع اساسی کشور در عرصه جهانی، منطقه‌ای و داخلی اجتناب‌ناپذیر است. زیرا سواحل دریای عمان دسترسی به پهنه‌های اقیانوس هند را باز می‌کند که می‌تواند نتایج ژئواستراتژیک و اقتصادی در زمینه‌های حمل‌ونقل، تجارت دریایی، امنیت انتقال انرژی، شیلات و منابع دریایی داشته باشد. داشتن کرانه‌های ساحلی ایران از طریق دریای عمان به اقیانوس هند، آن را به‌عنوان عضوی مؤثر در سازمان منطقه‌ای همکاری‌های اقتصادی کشورهای اقیانوس هند مرکب از قاره‌های آفریقا، آسیا و اقیانوسیه در می‌آورد. هم‌چنین نقش ارتباطی ایران برای کشورهای محصور در خشکی مانند افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی می‌تواند بر نقش ایران در مناسبات منطقه‌ای و نیز ایجاد تعادل‌های ژئوپلیتیک برای خروج از بحران‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیک مؤثر باشد. (نوذری، ۱۳۹۱: ۲۶۲) بنابراین، به دلیل نقش ارتباطی ایران در همه زمینه‌ها به‌ویژه نقش سواحل مکران در پروژه‌های انتقال انرژی، کالا و خطوط ریلی، ایران می‌تواند به ساماندهی نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی بپردازد و از این طریق منافع کشورهای دیگر را با سواحل دریای عمان پیوند دهد و منزلت ژئوپلیتیک خود را در جهان و منطقه افزایش دهد و نیز با بسترسازی اجماع منطقه‌ای و جهانی، فرصت‌های جدیدی را برای تضمین امنیت ملی خود تولید نماید. در حقیقت، سواحل دریای عمان و نقش ایران در کنترل عبور و مرور آن با کارکردهای منحصر به فرد خود در هنگام بحران، می‌تواند نقش مؤثری در دفاع و به تبع آن در امنیت نظامی کشور داشته باشد. (پورمهرانی، ۱۳۸۹: ۲۰۶)

**بررسی کمی و تطبیقی عوامل قدرت ملی کشورهای حوزه دریای عمان:** دکتر هادی اعظمی در سال ۱۳۸۵ طی تحقیقی، با بررسی، محاسبه و مقایسه‌ی ۷۲ متغیر (با قابلیت کمی شدن) در قالب عوامل هشت‌گانه قدرت ملی (عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، سرزمینی،

علمی و فناورانه، اجتماعی، نظامی و فرامرزی)، میزان قدرت ملی کشورهای منطقه‌ی جنوب غرب آسیا به همراه کشورهای مناطق آسیای مرکزی و قفقاز که از لحاظ ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و غیره دارای اشتراکات فراوانی با این منطقه هستند (۲۳ کشور به استثنای افغانستان که آمار داده‌های آن در برخی متغیرها موجود نبوده است)، براساس وزن ژئوپلیتیکی آنها مشخص و رتبه‌بندی نموده است که نتایج این تحقیق دارای نکات جالب و قابل توجه‌ای می‌باشد. مجموع امتیازات عوامل هشت‌گانه قدرت ملی کشورهای حوزه‌ی دریای عمان و رتبه‌بندی آنها براساس قدرت ملی از میان ۲۳ کشور واقع در منطقه جنوب غربی آسیا و مناطق آسیای مرکزی و قفقاز به شرح جدول زیر می‌باشد.

جدول شماره‌ی ۲: مجموع امتیازات عوامل هشت‌گانه قدرت ملی و رتبه‌بندی کشورهای حوزه‌ی دریای عمان در منطقه

رتبه	کشور	امتیاز عوامل هشت‌گانه قدرت ملی									
		اقتصادی	فرهنگی	سیاسی	سرزمینی	علمی	اجتماعی	نظامی	فرامرزی		
۲	ایران	۶۶/۶	۸۹/۶	۲۴	۹۸/۶	۱۳۴	۷۵	۱۰۳/۷	۳۱	مجموع امتیاز	۶۲۲/۵
۵	پاکستان	۳۹/۵	۸۳	۲۲/۵	۴۵/۳	۷۵/۲	۸۸/۱	۱۰۳/۳	۳۳/۳	مجموع امتیاز	۴۸۰/۲
۷	امارات	۴۷/۱	۷۶/۹	۱۵	۳۸/۰۵	۱۴/۸	۷۵/۹	۳۴/۸	۵۴/۳	مجموع امتیاز	۳۵۶/۹
۱۴	عمان	۴/۴	۴۲/۶	۱۸	۳۸/۱	۹/۷	۵۴/۸	۲۹/۱	۲۲/۶	مجموع امتیاز	۲۱۹/۳

بر اساس این تحقیق جمهوری اسلامی ایران با ۶۲۲/۵ امتیاز رتبه‌ی دوم را در سطح منطقه پس از ترکیه به خود اختصاص داده است. به گونه‌ای که در عوامل نظامی، اقتصادی، سرزمینی، علمی و سیاسی دارای رتبه‌ی دوم، در عوامل فرهنگی حائز رتبه‌ی سوم، در عوامل فرامرزی در رتبه‌ی چهارم و در عوامل اجتماعی دارای رتبه‌ی پنجم می‌باشد. سایر کشورهای حوزه دریای عمان به ترتیب پاکستان با کسب امتیاز ۴۸۰/۲ در رتبه پنجم، امارات با کسب امتیاز ۳۵۶/۹ در رتبه هفتم و کشور عمان با کسب امتیاز ۲۱۹/۳ در رتبه چهاردهم از نظر میزان قدرت ملی در میان ۲۳ کشور منطقه قرار گرفته‌اند. در جدول شماره‌ی ۳ رتبه‌بندی کشورهای حوزه‌ی دریای عمان به تفکیک عوامل هشت‌گانه‌ی مولد قدرت ملی نسبت به امتیازات کسب شده در بین ۲۳ کشور منطقه مشخص شده است. (اعظمی، ۱۳۸۵: ۱۴۹-۱۴۸)

جدول شماره ۳: رتبه‌بندی کشورهای حوزه دریای عمان به تفکیک عوامل هشت‌گانه مولد قدرت ملی

رتبه نهایی در منطقه	رتبه عوامل قدرت ملی							کشور	
	اقتصادی	فرهنگی	سیاسی	سرزمینی	علمی	اجتماعی	نظامی		فرامرزی
۲	۲	۳	۲	۲	۲	۵	۲	۴	ایران
۵	۶	۴	۶	۸	۵	۱	۳	۷	پاکستان
۷	۵	۵	۱۸	۱۱	۴	۸	۲	۲	امارات
۱۴	۲۱	۱۲	۱۳	۱۰	۲۱	۱۶	۹	۱۰	عمان

### سیاست خارجی و روابط دوجانبه ایران با سایر کشورهای حوزه دریای عمان: مردم

ایران و پاکستان از دین مشترکی برخوردارند و همین مسأله خود عنصر کلیدی در سیاست خارجی پاکستان در قبال ایران می‌باشد. دولت‌مردان پاکستان معتقدند که ایران همسایه‌ای مهم و ژئواستراتژیک است. این دو کشور در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی مختلفی با هم همکاری دارند. البته به‌رغم همکاری در بسیاری موارد، ایران و پاکستان دیدگاه‌های متفاوتی درباره مسائلی هم چون؛ افغانستان، سلاح هسته‌ای و قاچاق مواد مخدر از آن کشور به ایران نیز دارند. از بدو تأسیس پاکستان تاکنون، همیشه مناسبات ایران و پاکستان تحت تأثیر معادله‌ای قرار داشته است که هند در آن مهم‌ترین مفروض شناخته می‌شود. افغانستان نیز یکی دیگر از مولفه‌های تعیین‌کننده مناسبات ایران و پاکستان بوده و خواهد بود. به نظر می‌رسد ایران همیشه بر سر دوراهی انتخاب پاکستان یا هند قرار داشته است و در مقابل پاکستان به دلیل همسایگی خود با هندوستان و مشکلاتی که با این کشور دارد، همواره برای همزیستی مسالمت‌آمیز با هر رژیم در ایران تلاش نموده است. هرچند که در بسیاری موارد در باطن به ظاهر زیبای این همزیستی، خطرات بالقوه بسیاری را نیز برای منافع ملی ایران به وجود آورده است. بنابراین، ایران برای پاکستان نوعی موازنه بسیار سنگین در قبال هندوستان است و تمامی رژیم‌های حاکم بر پاکستان، گرچه مطلعند که به راحتی می‌توانند از مسأله بلوچستان ایران به نفع خود

بهره‌برداری کنند، اما آگاهند که در آن صورت از موازنه حمایت ایران از این کشور در مقابل هند محروم خواهند شد. (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۳۲۸)

از طرف دیگر، کشورهای ساحلی تنگه‌ی هرمز (ایران و عمان) دارای توازن قدرت نیستند و عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی، ایران را در موقعیت برتری نسبت به عمان قرار داده است و بدین لحاظ ایران امکان بهره‌برداری از این قدرت بالقوه را دارد، در صورتی که امکان استفاده از چنین موقعیتی برای عمان به نسبت ایران، ضعیف‌تر است. ضعف آن کشور نسبت به ایران، زمینه‌ی نفوذ و کنترل یکی از قدرت‌های جهانی را فراهم می‌کند، چنان‌که تاکنون آمریکا از این فرصت برای کنترل تنگه استفاده کرده و موقعیت‌های مناسبی را در عمان و شبه‌جزیره‌ی المسندم از آن کشور کسب نموده است. ایران در صورتی که بخواهد از امکان بهره‌برداری قدرت‌های جهانی از ضعف دولت عمان برای کنترل تنگه‌ی هرمز، جلوگیری کند، باید دولت عمان را در خصوص ایجاد پیمان دوجانبه و تقویت آن متقاعد سازد و سایر کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس را نیز به اتخاذ مواضعی هماهنگ در این راستا هدایت نماید. (حافظنیا، ۱۳۷۱: ۴۷۴)

هم‌چنین روابط ایران و امارات بجز در زمینه ادعای واهی امارات بر سر مالکیت جزایر سه‌گانه ایرانی، در سایر زمینه‌ها تقریباً عادی بوده و هیچ‌گونه تلاش جدی از سوی مقامات این کشور برای کاهش سطح روابط اقتصادی با ایران مشاهده نمی‌شود. به طور کلی، دفاع از صلح و امنیت در خلیج فارس و حوزه‌ی دریای عمان در حیطه‌ی مسئولیت و از جمله وظایف کشورهای این منطقه می‌باشد. مسأله مهم در این زمینه، روشن نمودن این مطلب است که حضور نیروهای خارجی در نهایت به ضرر کشورهای منطقه می‌باشد. بدین ترتیب، قبول این منطقی که اهداف حضور نیروهای بیگانه‌ی فرامنطقه‌ای و دیدگاه قدرت‌های بزرگ و دولت‌های سلطه‌جو با منافع واقعی کشورهای منطقه در تضاد می‌باشد، می‌تواند سهم مهمی در مشارکت دولت‌های خلیج فارس و حوزه‌ی دریای عمان در دستیابی به یک چارچوب امنیتی و حفظ ثبات و آرامش در این منطقه داشته باشد. (نوذری، ۱۳۹۱: ۲۸۲)

### علایق ژئوپلیتیک بازیگران داخلی حوزه دریای عمان

(۱) **علایق و جایگاه ژئوپلیتیک ایران:** سواحل دریای عمان برای ایران از لحاظ در برگیرندگی پتانسیل‌های اقتصادی، ارتباطی و نظامی بسیار حائز اهمیت می‌باشد. مرز آبی کرانه‌های دریای عمان و تسلط این منطقه بر یکی از مهم‌ترین و راهبردی‌ترین راه‌های آبی جهان، ویژگی خاصی به ایران داده است. دسترسی کرانه‌های ساحلی ایران از طریق دریای عمان به پهنه‌های اقیانوس هند، آن را به‌عنوان عضوی مؤثر در سازمان منطقه‌ای همکاری‌های اقتصادی کشورهای اقیانوس هند مرکب از قاره‌های آفریقا، آسیا و اقیانوسیه در می‌آورد. هم چنین نقش ارتباطی ایران برای کشورهای محصور در خشکی، می‌تواند بر نقش ایران در مناسبات منطقه‌ای و نیز ایجاد تعادل‌های ژئوپلیتیک برای خروج از بحران‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیک مؤثر باشد. به دلیل نقش ارتباطی ایران در همه زمینه‌ها به‌ویژه نقش ساحل دریای عمان در پروژه‌های انتقال انرژی، کالا و خطوط ریلی، ایران می‌تواند به ساماندهی نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی پردازد و از این طریق منافع کشورهای دیگر را با سواحل دریای عمان پیوند دهد و منزلت ژئوپلیتیک خود را در جهان و منطقه افزایش دهد و نیز با بسترسازی اجماع منطقه‌ای و جهانی، فرصت‌های جدیدی را برای تضمین امنیت ملی خود تولید نماید. در حقیقت سواحل دریای عمان و نقش ایران در کنترل عبور و مرور آن با کارکردهای منحصر به فرد خود در هنگام بحران، می‌تواند نقش مؤثری در دفاع و به تبع آن در امنیت نظامی کشور داشته باشد. (پورمهرانی، ۱۳۸۹: ۲۰۶-۲۰۴)

(۲) **علایق و جایگاه ژئوپلیتیک پاکستان:** پاکستان تنها در زیرسیستم شبه‌قاره و به‌ویژه در افغانستان نقش ایفاء می‌نماید و سعی می‌کند به واسطه افغانستان در منطقه‌ای آسیای مرکزی از طریق ژئوپلیتیک خطوط لوله نفت و انرژی نقش ایفا نماید. این کشور تلاش می‌کند از طریق دولت‌های عربستان سعودی و امارات متحده عربی در فقدان پتانسیل‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، بهره‌برداری نماید. ایجاد مدل طالبان از طریق پاکستان برای تحقق اهداف مزبور صورت گرفت. مشکلات داخلی این کشور از جمله فرقه‌گرایی، افراط‌گرایی وهابی، تفکرات

تجزیه‌طلبانه در مورد ایجاد پروژه پشتونستان بزرگ، تروریسم و ناامنی در بسیاری از ایالات این کشور چون بلوچستان و عدم تسلط کامل پاکستان در این ناحیه و اختلافات شدید با هند، اجازه قدرت‌نمایی به پاکستان نمی‌دهد. به‌رغم این موارد، پاکستان از طریق دریا تمایل دارد در اقیانوس هند، دریای عمان و خلیج فارس نقش ایفا کند. پاکستان ذاتاً نسبت به ایران همگراست، ولی به شکل تحمیلی و با توجه به مسأله‌ای که این کشور در عرصه داخلی منطقه‌ای با آن روبرو است، به شکل عارضی نسبت به ایران واگرایی نشان می‌دهد که این مورد در ظهور طالبان در پاکستان و تکامل نقش این کشور در افغانستان قابل مشاهده بود. پاکستان نمایندگی ایران در زمینه سفارت با آمریکا را به عهده دارد. این کشور دارای اقلیت مذهبی شیعه قدرتمندی است که نسبت به رهبری ایران و حوزه تمدنی و فرهنگی کشور ایران، به شدت حساسیت نشان می‌دهد. (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۶۴-۱۶۲) جایگاه پاکستان براساس نظریه‌های ژئوپلیتیک (مکیندر، ماهان و اسپایکمن)، در منطقه هلال داخلی و اطراف منطقه محور قرار داشته و از این‌رو، در راهبردهای خشکی محور به‌عنوان بخشی از منطقه هلالی جایگاه مهمی داشته است و به علت موقعیت دریایی و ساحلی که با دریای عمان و اقیانوس هند دارد، از حیث مانور دریایی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. هم‌چنین این کشور در منطقه ریملند یا سرزمین حاشیه قرار گرفته و توانایی کسب قدرت بحری و بری را داشته و بدین خاطر از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. (نامی، ۱۳۸۸: ۳۰۵-۳۰۳)

**(۳) علایق و جایگاه ژئوپلیتیک عمان:** عمان با داشتن یک کمربند ساحلی به طول ۱۷۰۰ کیلومتر که از خلیج فارس، دریای عمان و دریای عرب تا اقیانوس هند گسترده شده است، از موقعیت راهبردی مهم‌تری نسبت به عربستان سعودی برخوردار می‌باشد. حاکمیت عمان بر بخش جنوبی تنگه‌ی هرمز، این کشور را از نظر راهبردی در وضعیت ویژه‌ای قرار داده، به طوری که اهمیت آن را برای تمامی کشورهای منطقه، حتی برای کشورهای خارج از منطقه که به نفت و بازارهای منطقه وابسته هستند، مضاعف می‌کند. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۷، ع: ۱۴۸-۱۴۷). از طرفی با توجه به اینکه بخش اعظم نفت موردنیاز جهان از تنگه‌ی هرمز می‌گذرد، ثبات اقتصادی و سیاسی عمان نیز برای غرب و جهان صنعتی مهم می‌باشد؛ بدین



ترتیب، این موضوع باعث حمایت و پشتیبانی سیاسی آنها از این کشور گردیده است. کشور عمان دارای سیاستی چندجانبه می‌باشد، به طوری که ضمن توسعه تدریجی مرادده نظامی با جمهوری اسلامی ایران، برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی را نیز مدنظر داشته و پیگیری می‌نماید. توسعه روابط این کشور با رژیم صهیونیستی می‌تواند روابط آن با جمهوری اسلامی ایران را تحت‌الشعاع قرار دهد. (معاونت اطلاعات آجا، ۱۳۸۸: ۱۰۵) ماهیت غیرمتعهدانه سیاست خارجی عمان، این کشور را قادر ساخته است تا به صورت یک مرکزیت برای حل مناقشات بین کشورهای همسایه و نقش میانجی‌گری در تعاملات منطقه‌ای تبدیل شود. (همان: ۱۱۰)

۴) علایق و جایگاه ژئوپلیتیک امارات متحده عربی: امارات نسبت به سایر کشورهای خلیج فارس، ضعیف‌ترین رهبری و متفرق‌ترین نظام سیاسی را دارد. قدرت سیاسی در هر یک از امارت‌های این کشور در دست خانواده‌های حاکم و موروثی می‌باشد. این کشور از ساختار سیاسی، جمعیتی، نژادی، نظامی و اقتصادی همگونی برخوردار نیست و این ساختار ناهمگون در جهت مخالف وحدت و یکپارچگی امارات و در تعارض با قدرت یافتن بنیادهای نظامی و اقتصادی کشور عمل می‌کند. نزدیکی امارات متحده عربی با جهان غرب، منجر به حمایت سیاسی، نظامی آنها به‌ویژه آمریکا، انگلیس و فرانسه از این کشور گردیده و انعقاد پیمان‌های دفاعی با کشورهای یاد شده، زمینه را برای مداخله و پشتیبانی نظامی آنها از ابوظبی در هنگام بحران با جمهوری اسلامی ایران فراهم آورده است. به‌رغم تضاد فکری بین حکام هفتگانه و اختلافات دیرینه و پنهانی که بین آنها وجود دارد، به علت تصور از خطرات احتمالی خارجی، پیوسته سکوت و یکپارچگی ظاهری خود را حفظ نموده‌اند. هم‌چنین با توجه به ادعای واهی امارات بر سر مالکیت جزایر سه‌گانه ایرانی که همواره با تحریک آمریکا، انگلیس، مصر و عربستان همراه بوده است؛ در حال حاضر، بیشتر حکام این کشور با توجه به آسیب‌پذیری‌های امارات، تمایلی به ایجاد درگیری نظامی و یا ایجاد بحران با ایران را ندارند و هم‌چنان روابط رسمی خود را با ایران حفظ نموده‌اند. (معاونت اطلاعات آجا، ۱۳۸۲: ۵۶-۵۵)

### علاقه ژئوپلیتیکی بازیگران منطقه‌ای حوزه‌ی دریای عمان:

(۱) هند: این کشور به‌عنوان یک بازیگر در منطقه مجاور حوزه مورد مطالعه بیشتر در رابطه با منطقه آسیای جنوب غربی و عمدتاً در حوزه پاکستان و افغانستان عمل می‌کند. نقش هند به‌طور عمده زیرسیستمی و از نظر شدت فقط در شبه‌قاره مؤثر است. نحوه بازی هند با شبه‌قاره، اقتصادی و نرم‌افزاری و حمایت از نیروهایی است که نسبت به پاکستان واگرایی نشان می‌دهند. هند نسبت به پاکستان و چین واگراست. ایران در زمینه واگرایی و همگرایی می‌تواند از هند برای کنترل پاکستان و از طریق روسیه و هند برای تلطیف قدرت هژمون در شبه‌قاره استفاده کند. ایران از چین و روسیه نیز می‌تواند برای کنترل و تأثیرگذاری بر هند استفاده کافی را ببرد. ایران و هند می‌توانند در زمینه تأمین امنیت اقیانوس هند، با یکدیگر همکاری کنند. ضمن اینکه خط لوله ایران با پاکستان و هند از طریق تجارت، می‌تواند به همکاری ایران، هند و پاکستان بینجامد. این موضوع ضربه شدیدی به نظام هژمونیک بوده و می‌تواند بستر نظام منطقه‌ای را در این حوزه فراهم کند. (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۷۱-۱۷۰) روابط بین هند، ایران و پاکستان در گذشته پیچیده و متنازع بوده است. روابط ایران با هند در گذشته همانند پشتیبانی ایران از پاکستان در کشمیر در عرصه‌های مختلف بین‌المللی چندان خوشایند نبوده است، اما در عصر کنونی ایران برای حل و فصل قضیه‌ی کشمیر به دنبال راهی است که روابط هند با جهان اسلام تیره نشود. مساعدت ایران برای ساخت کریدور شمال - جنوب کمک خواهد کرد تا هند به جمهوری‌های آسیای مرکزی دست پیدا کند و از سوی دیگری، توسعه‌ی روابط راهبردی بین هند و رژیم صهیونیستی و آمریکا باعث نگرانی ایران شده است. از این منظر علاقه ژئوپلیتیکی هند در جهت عکس با ایران می‌باشد. بنابراین، استمرار روابط هند با ایران به وسیله تغییر نگرش هند به آمریکا و رژیم صهیونیستی سنجیده خواهد شد. همین‌طور روابط نزدیک بین ایران و پاکستان متأثر از عوامل خارجی است. تغییر رژیم سیاسی در افغانستان، عامل محرکی در روابط ایران - پاکستان و رابطه‌ی ایران - هند تلقی می‌شود. (عزتی و ویسی، ۱۳۸۵: ۴۲-۴۱) واکاوی مناسبات سه‌جانبه هند، پاکستان و ایران نشان‌دهنده آن است که این سه کشور نمی‌توانند روابط ژئواکونومی (اقتصادی) مسالمت‌آمیزی را تجربه کنند.

به دلیل اینکه مناسبات خود را به اهداف سیاسی و دیدگاه‌های ایدئولوژیک محدود می‌کنند. موفقیت نسبی پروژه‌ی خط لوله گاز ایران - پاکستان - هند نیازمند حمایت و ضمانت‌های امنیتی صریح دولت پاکستان از همه‌ی کشورهای ذینفع است که این موضوع با راهبرد پاکستان در ارتباط با هند سازگار نیست. (همان: ۴۴)

**۲) عربستان سعودی:** این کشور به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای، در زیرسیستم خلیج فارس نسبت به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نقش اصلی و قدرتمندی داشته و دارد و نسبت به آنها به‌عنوان برادر بزرگ‌تر عمل می‌کند. نحوه و طریق تأثیرگذاری عربستان سازمانی، دینی و مذهبی، قدرت مالی و نظامی است. عربستان در چارچوب شورای همکاری خلیج فارس و از طریق سازمان اوپک و آووپک، به‌عنوان ام‌القرای مذهب و هابیت و به‌عنوان قدرت مالی، پول و ثروت و از طریق قدرت نظامی، بر دیگر واحدهای سیاسی عضو شورای همکاری خلیج فارس اعمال قدرت می‌کند. اولویت این کشور نیز در زیرسیستم خلیج فارس است و دومین اولویت این کشور در زیرسیستم خاورمیانه کوچک در حوزه فلسطین می‌باشد. اولویت دیگر عربستان در حوزه افغانستان است که از طریق پاکستان صورت می‌گیرد. در زیرسیستم خلیج فارس، ایران و عراق از منظر امنیتی، عربستان را مورد چالش قرار می‌دهند. عربستان به دنبال تحقق نظام هژمونیک برون‌زا از طریق ائتلاف و اتحاد با آمریکا بوده و همین مسأله موجب واگرایی ایران و عربستان شده است. هم‌چنین عربستان در مورد گسترش روابط با اتحادیه اروپا از طریق شورای همکاری خلیج فارس، با ایران همگراست، زیرا هر دو کشور به دنبال رقابتی در برابر آمریکا در زیرسیستم خلیج فارس هستند. در زیرسیستم شبه‌قاره، منافع عربستان در تعارض با ایران قرار دارد و در زیرسیستم آسیای مرکزی نیز با ایران از نظر مذهب و واگرایی دارد. (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۵۹-۱۵۷) به طور کلی، عربستان به دلیل موقعیت جغرافیایی، وسعت و ثروت مناسب، ادعای رهبری جهان اسلام و عرب را دارد و در راستای برقراری امنیت داخلی و خارجی خود و حفظ منافع غرب به‌ویژه آمریکا در منطقه اهتمام خاصی به تقویت بنیه دفاعی و نظامی خود دارد. (قاسمی نراقی، ۱۳۷۸: ۱۰۲-۱۰۱)

۳) شورای همکاری خلیج فارس: به طور کلی، می‌توان گفت در مواقعی که یک بحران بزرگ منطقه‌ای، منافع و نیز موجودیت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را با خطری جدی مواجه ساخته، همه اعضا به اتفاق آراء، در مورد نحوه‌ی مقابله با آن اشتراک‌نظر داشته و به‌رغم وجود پاره‌ای از اختلاف‌نظرها، در کنار هم قرار گرفته، اما هنگامی که مسأله منافع یک قدرت نافذ خارجی نیز مطرح شد و پای قدرت‌های بیگانه به میان آمد، این شورا هرگز نتوانست کوچک‌ترین عکس‌العمل و مخالفتی نشان دهد. حمله عراق به کویت، بهترین مورد در این زمینه می‌باشد. (پورمهرانی، ۱۳۸۹: ۲۴۰-۲۳۹) کشورهای شورای همکاری خلیج فارس عموماً با مسائل و مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ساختاری روبرو هستند که این عقب‌ماندگی‌های ساختاری، زمینه‌ساز نا امنی‌ها و بی‌ثباتی‌های موجود در منطقه است. همین امر به بازیگران بین‌المللی فرصت لازم را برای ایفای نقش اصلی در منطقه‌ی خلیج فارس داده است. بدین ترتیب، شرایط داخلی در خلیج فارس به گونه‌ای است که زمینه‌ی هرگونه همکاری دوجانبه و چندجانبه میان کشورهای منطقه را از میان برده و این کشورها را برای کسب امنیت، متوجه‌ی خارج کرده است. (رنجبر، ۱۳۷۸: ۱۷۳) فاصله و شکاف در روابط ایران با کشورهای عربی حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس متأثر از دو عامل مذهب و قومیت است. به گونه‌ای که چنانچه ایران در این زمینه بر تشیع تأکید کند، به طور قطع بین ایران و کشورهای سنی مذهب فاصله ایجاد می‌شود و اگر بر ملیت ایرانی تأکید ورزد، در روابط ایران و اقوام عرب منطقه، نوعی شکاف ایجاد خواهد شد. هم‌چنین اختلاف دیگر بر سر چیرگی، تسلط و برتری ایران در منطقه‌ی خلیج فارس می‌باشد که همواره بر سر آن بین ایران و عربستان سعودی نوعی رقابت وجود داشته است. از سوی دیگر، اختلافات ایران با برخی کشورهای عربی مانند اختلاف ایران و امارات متحده عربی بر سر مالکیت جزایر سه‌گانه ایرانی و پشتیبانی شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب از ادعاهای ارضی امارات و یا وجود اختلافات درونی کشورهای عرب خلیج فارس نیز همواره بر امنیت منطقه تأثیر منفی گذاشته است. (همان: ۱۸۴-۱۸۳)

### علایق ژئوپلیتیکی بازیگران فرامنطقه‌ای حوزه دریای عمان

۱) آمریکا: علایق و انگیزه‌های آمریکا در منطقه آسیای جنوب غربی، بیشتر بر محور انرژی (نفت)، تجارت و امنیت با اولویت خلیج فارس، امنیت رژیم اشغالگر قدس، عراق و کنترل اتحادیه اروپاست و در آسیای مرکزی و قفقاز مبتنی بر انرژی و کنترل روسیه و حضور در افغانستان به منظور کنترل چین می‌باشد. آمریکا به‌عنوان قدرت هژمون دارای بیشترین میزان نفوذ سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی در تمام زیر سیستم‌هاست. از منظر واگرایی و همگرایی، در خلیج فارس با ایران و اتحادیه اروپا واگرایی دارد. در افغانستان با چین و ایران و در قفقاز و آسیای مرکزی با ایران و روسیه واگرایی نشان می‌هد. البته آمریکا به دنبال نظام هژمونیک برونزای منطقه‌ای است و از این منظر با ایران، روسیه، چین و اتحادیه اروپا در منطقه آسیای جنوب غربی، تعارض منافع دارد. (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۸۲-۱۸۱) آمریکا در پی نادیده گرفتن جایگاه طبیعی ایران در نظام منطقه‌ای و کاهش نقش آن در منطقه می‌باشد و در مقابل به دنبال افزایش توسعه‌ی نفوذ رقبا ایران (عربستان و شورای همکاری خلیج فارس در جنوب، پاکستان در شرق و ترکیه در غرب و آسیای مرکزی و قفقاز در شمال) است. به هر حال، در شرایط کنونی عواملی مانند تحریم‌های تجاری و اقتصادی آمریکا، فشار ایالات متحده به هم‌پیمانان خود در جهان و منطقه برای موضع‌گیری علیه ایران و همچنین سیاسی و امنیتی کردن اغلب مناسبات، مانع از تحرک ثمربخش و تفوق ژئوپلیتیک ایران شده است. (حیدری و محمدی، ۱۳۸۶: ۱۰۹)

از سوی دیگر، قرار گرفتن خلیج فارس و تنگه‌ی هرمز (و سواحل دریای عمان) در ریملند نظریه ژئوپلیتیک اسپایکمن، آن را از اعتبار راهبردی خاصی برخوردار کرده است و بر اساس نظریه‌ی برژینسکی، آمریکا منطقه‌ی خلیج فارس را بعد از اروپا و آمریکا، سومین خط دفاعی راهبردی خود می‌داند. بنابراین، کنترل مناطق و نقاط راهبردی، به‌ویژه تنگه‌ی هرمز از اهمیت خاصی برای آمریکا محسوب و به‌عنوان هدف راهبردی تلقی می‌شود. در نتیجه‌ی یکی از مقاصد حضور نظامی آن کشور در منطقه و در اختیار گرفتن پایگاه‌های نظامی متعدد، به منظور حفظ امنیت منافع خود و هم‌پیمانان آن کشور در منطقه می‌باشد که در این راستا، آمریکا

هدف سیاسی خود را در منطقه مبتنی بر نفوذ و حفظ اقتدار حاکمیت بر حکومت‌های محلی خلیج فارس پیگیری و آن را، راهگشای تأمین هدف‌های اقتصادی و راهبردی خود می‌داند. (حافظ‌نیا، ۱۳۷۱: ۱۴۱)

۲) روسیه: این کشور، جمهوری‌های پیشین شوروی و زیرسیستم‌های آسیای مرکزی و قفقاز را منطقه حیاتی خود قلمداد می‌نماید. روسیه از طریق هند در زیرسیستم شبه‌قاره عمل می‌کند. همکاری‌های اقتصادی، نظامی و اتمی روسیه با هند، ابزارهای حضور روسیه در زیرسیستم شبه‌قاره است. موقعیت روسیه در خاورمیانه کوچک با حمله آمریکا علیه عراق، تضعیف شد و این کشور از طریق سوریه در معادلات منطقه تأثیرگذار است. حضور روسیه در خلیج فارس به‌رغم وجود برخی قراردادهای دوجانبه با کشورهای منطقه، به شدت تضعیف شده است. این کشور سعی می‌کند از طریق ایران در خلیج فارس، خاورمیانه کوچک و زیرسیستم شبه‌قاره نیز عمل کند. از منظر واگرایی و همگرایی، روسیه به شدت در زمینه آسیای مرکزی و قفقاز نسبت به آمریکا از خود واگرایی نشان می‌دهد و نسبت به گسترش ناتو و شورای مشارکت در صلح ناتو در آسیای مرکزی، قفقاز و افغانستان نگران است. ایران از طریق روسیه، چین و هند می‌تواند در تلطیف قدرت آمریکا، ترکیه و رژیم صهیونیستی استفاده کند. با این حال، روسیه در زمینه رژیم حقوقی دریای خزر و عدم غیر نظامی کردن دریای خزر با ایران واگرایی نشان می‌دهد. همکاری‌های اقتصادی، نظامی و در زمینه انرژی هسته‌ای می‌تواند روابط همگرایانه ایران با روسیه را افزایش دهد. هم‌چنین همکاری‌های نفتی، خطوط لوله نفت و انرژی و راه آهن، موجب همبستگی هرچه بیشتر ایران و روسیه می‌شود. البته نباید تصور شود که روسیه در همه زمینه‌ها نسبت به آمریکا واگراست. (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۷۴-۱۷۳)

بنابراین، ایران برای سیاست منطقه‌ای روسیه دارای اهمیت است و مسکو به‌رغم مشکلات داخلی خود در چند سال اخیر، همواره در صدد حفظ و گسترش منافع خود در منطقه بوده و برای خویش حق همسایگی را محفوظ دانسته و مدعی است در مقابل هرگونه برهم خوردن توازن قوا در منطقه که مغایر با منافع ملی روسیه باشد، ایستادگی خواهد کرد. (امامی، ۱۳۸۵: ۱۶۲)

۳) چین: کشور چین به‌عنوان یک قدرت نوظهور در عرصه‌ی جهانی، به دنبال حضور سیاسی و به عهده گرفتن نقش تعیین‌کننده‌ای در جهان به طور اعم و در منطقه‌ی خلیج فارس به طور اخص می‌باشد. بدین ترتیب، در شرایط کنونی کشور چین در حال تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ در نظام جهانی است و چنین قدرتی طبعاً حوزه‌های نفوذ خود را گسترش می‌دهد و خلیج فارس یکی از کانون‌های نفوذ و حضور چین خواهد بود. کانونی که نفوذ در آن به معنای حضور در موقعیتی است که با اهداف راهبردی سایر قدرت‌های بزرگ تطابق داشته و حضور چین در منطقه برای آنها خوشایند نمی‌باشد. با وجود این، چین با اتکای به روابط تاریخی گذشته و نداشتن سابقه‌ی سوء سیاسی و استعماری (بر خلاف اروپا و آمریکا) برای مردم منطقه و همچنین با وجود وحدت جغرافیایی از نظر آسیایی بودن، نفوذ و حضور خود را در منطقه گسترش می‌دهد. در حال حاضر، چین ضمن توسعه‌ی روابط بازرگانی با کشورهای خلیج فارس و تسلط بر بازار مصرف منطقه، حتی در صدور تسلیحات خاص خود به منطقه نیز اقداماتی انجام داده است و پیش‌بینی می‌شود که این کشور در آینده به صورت یکی از صادرکنندگان بزرگ سلاح به منطقه‌ی خلیج فارس و خاورمیانه در آید. (حافظ‌نیا، ۱۳۷۱: ۱۵۹-۱۵۶) چین منطقه‌ی خلیج فارس و حوزه‌ی دریای عمان را نقطه‌ی اشتراک و در عین حال تضاد منافع قدرت‌های بزرگ می‌داند. هرچند پکن حضور آمریکا را در منطقه به خاطر نیاز روزافزون به نفت و ادامه‌ی سلطه جویی در جهان، دراز مدت می‌داند؛ با این حال، همواره خود در صدد نفوذ و ایفای نقش و جایگاهی برتر و فعال‌تر در منطقه بوده است. (امامی، ۱۳۸۵: ۱۷۳) از منظر واگرایی و همگرایی، ایران از چین در زمینه کنترل هند و از طریق چین و روسیه برای جلوگیری از مدیریت آمریکا در منطقه استفاده می‌کند. پیوند تمدن اسلامی، اسلاو و کنفوسیوسی به شکلی که هانتینگتون آن را خطری برای آمریکا و غرب دانسته بود، در حال شکل گرفتن است. چین به شدت نسبت به پاکستان همگرا، ولی نسبت به هند واگراست. چین و ایران می‌توانند ترمزی برای هژمون برون‌زا در افغانستان باشند. چین هم‌چون روسیه و هند نظام هژمونیک منطقه‌ای را نمی‌پذیرد. (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۷۷-۱۷۶)

۴) **اتحادیه اروپا:** نوع روابط و مناسبات کشورهای اروپایی با کشورهای منطقه‌ی خلیج فارس با توجه به تجربه‌های تاریخی، عوامل ساختاری و ماهیت منافع، متفاوت و ناهمسان است. برای مثال، دو انگیزه‌ی نظامی-امنیتی و جلب منافع اقتصادی در منطقه‌ی خلیج فارس و حوزه‌ی دریای عمان که ارتباط مستقیمی با نفت و مستعمرات سابق انگلیس در آسیا دارند، سبب شده تا بریتانیا هم‌چنان نقش فعالی در سیاست‌های داخلی کشورهای منطقه ایفا کند. فرانسه به دلایل گوناگون از جمله رقابت با انگلیس، قادر به حضور و نفوذ قابل ملاحظه در منطقه نگردیده است و فرصت آن را نیافته که مانند شمال آفریقا یا شرق مدیترانه (سوریه و لبنان)، نقش قابل توجه‌ای در منطقه‌ی خلیج فارس پیدا کند. (امامی، ۱۳۸۵: ۱۳۹) به طور کلی، شرایط سیاسی منطقه نیز به حضور اروپا در خلیج فارس کمک نموده است. به هر جهت، عوامل گوناگون سبب شده تا کشورهای اروپایی بازارهای مناسبی را جهت فروش سلاح در منطقه‌ی خلیج فارس و حوزه‌ی دریای عمان به دست آورند، به طوری که اروپا رقیب مهمی برای بازار تسلیحات و تجهیزات نظامی ایالات متحده در این بخش از جهان محسوب می‌شود. (همان: ۱۴۵) اروپا به جریان مطمئن و دراز مدت نفت و گاز خلیج فارس با قیمت مناسب و دسترسی به بازار این منطقه برای فروش کالاهای خود بسیار وابسته است. ایران با توجه به منابع انرژی خود در زمینه‌ی نفت و گاز و عراق نیز با داشتن ذخایر نفت عظیم خود از مدت‌ها قبل مورد توجه کشورهای اروپایی بوده‌اند (Yorkeand Turner, 1986, p.81) بنابراین، مزایای نسبی اروپا در برقراری روابط با کشورهای خلیج فارس و حوزه‌ی دریای عمان، به اروپائیان کمک نموده تا به‌رغم موقعیت مسلط آمریکا در منطقه، بتوانند نفوذ و مناسبات گسترده‌ای در این بخش حیاتی جهان برقرار نمایند. (امامی، همان: ۱۴۶) اتحادیه اروپا از طریق سیاسی-اقتصادی (انرژی و تجارت) و قراردادهای دوجانبه نظامی با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس عمل می‌کند. به هر حال، اتحادیه اروپا به‌عنوان یک بازیگر بین‌المللی نمی‌خواهد از صحنه رقابت قدرت‌های خارجی در آسیای مرکزی و قفقاز دور بماند. راه حضور اتحادیه اروپا در خلیج فارس عمدتاً از طریق ایران و در خاورمیانه کوچک از طریق سوریه، لبنان، مصر، ایران و دولت خودگردان فلسطین صورت می‌گیرد. با این حال، اتحادیه اروپا هنوز در مقابل آمریکا از



یک نقطه ضعف اساسی رنج می‌برد و آن کمبود قدرت نظامی بوده که پیوسته آن را نسبت به آمریکا در موقعیت فرودست و تابع قرار داده است. (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۸۰-۱۷۷)

### بررسی تطبیقی علایق و جایگاه ژئوپلیتیکی ایران نسبت به سایر کشورهای مؤثر در حوزه دریای عمان

سواحل دریای عمان برای ایران از لحاظ دارا بودن پتانسیل‌های اقتصادی، ارتباطی و نظامی بسیار حائز اهمیت می‌باشد. نقش ارتباطی ایران برای کشورهای محصور در خشکی، می‌تواند بر نقش ایران در مناسبات منطقه‌ای و نیز ایجاد تعادل ژئوپلیتیکی برای خروج از بحران‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی مؤثر باشد. از طرفی نقش ارتباطی ایران در همه زمینه‌ها به‌ویژه نقش ساحل دریای عمان در پروژه‌های انتقال انرژی، کالا و خطوط ریلی، می‌تواند به ساماندهی نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی منجر شود و از این طریق منافع کشورهای دیگر را با سواحل دریای عمان پیوند دهد و موجب افزایش منزلت ژئوپلیتیکی ایران در جهان و منطقه گردد. از طرفی پاکستان تنها در زیرسیستم شبه‌قاره و به‌ویژه در افغانستان نقش ایفاء می‌نماید. مشکلات داخلی این کشور از جمله فرقه‌گرایی، افراط‌گرایی وهابی، تفکرات تجزیه‌طلبانه و اختلافات شدید با هند، اجازه قدرت‌نمایی به پاکستان نمی‌دهد؛ بنابراین، این کشور به‌رغم دارا بودن قدرت اتمی، توان حضور در زیرسیستم‌ها را ندارد. طول سواحل کشور عمان در خلیج فارس، دریای عمان و دریای عرب و حاکمیت آن بر بخش جنوبی تنگه‌ی هرمز، این کشور را از نظر راهبردی در وضعیت ویژه‌ای قرار داده است، به طوری که اهمیت آن را برای تمامی کشورهای منطقه و حتی برای کشورهای خارج از منطقه که به نفت و بازارهای منطقه وابسته هستند، مضاعف نموده است. با وجود این، کشور عمان برای تأمین امنیت و دفاع از خود متکی به قدرت‌های خارجی می‌باشد و عملاً روابط خارجی آن بر پایه دنباله‌روی و تأمین منافع کشورهای غربی به‌ویژه انگلستان و آمریکا شکل گرفته است. (نوذری، ۱۳۹۱: ۲۸۲) امارات متحده عربی نسبت به سایر کشورهای خلیج فارس، ضعیف‌ترین رهبری و متفرق‌ترین نظام سیاسی را دارا می‌باشد. این کشور از ساختار سیاسی، جمعیتی، نژادی، نظامی و اقتصادی همگونی برخوردار نیست و این ساختار ناهمگون در جهت مخالف وحدت و یکپارچگی امارات و در تعارض با قدرت یافتن بنیادهای نظامی و اقتصادی کشور عمل می‌کند. نزدیکی امارات متحده عربی با جهان غرب، منجر به

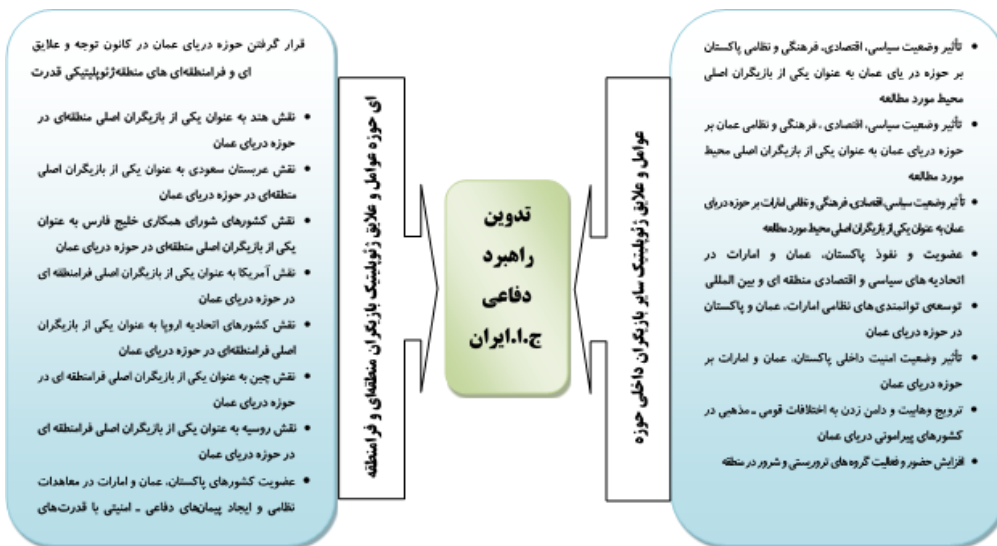
حمایت سیاسی، نظامی آنها به‌ویژه آمریکا، انگلیس و فرانسه از این کشور گردیده و انعقاد پیمان‌های دفاعی با کشورهای یادشده، زمینه را برای مداخله و پشتیبانی نظامی آنها از ابوظبی در هنگام بحران با جمهوری اسلامی ایران فراهم آورده است. بنابراین، ایران بر خلاف بازیگران داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، همانند یک قدرت هژمون جهانی در تمام زیرسیستم‌ها از جمله زیرسیستم خلیج فارس، خاورمیانه کوچک، شبه‌قاره هند، قفقاز و آسیای مرکزی حضور دارد و ایفای نقش می‌نماید. بدین ترتیب، جایگاه ژئوپلیتیکی ایران در ارتباط با کشورهای منطقه و نظام بین‌الملل در مقایسه با سایر کشورهای حوزه‌ی دریای عمان از موقعیت برتر و اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار می‌باشد. (همان)

در نتیجه، شناخت و تبیین فرصت‌ها در حوزه‌ی دریای عمان که به‌عنوان بخشی از نظام بین‌الملل محسوب می‌شود از یک سو، و شناخت و تبیین ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در این حوزه از سوی دیگر، تعیین‌کننده‌ی علایق ژئوپلیتیکی کشور ایران در حوزه مزبور می‌باشد که برای بهره‌برداری از آن در سیاست‌ها و راهبردهای دفاعی - امنیتی کشور، باید زمینه دسترسی به علایق ژئوپلیتیکی مذکور و نحوه‌ی به‌کارگیری آن در جهت ایفای نقش ایران در حوزه‌ی دریای عمان و سواحل مکران مورد توجه قرار گیرد. از طرفی می‌توان با توجه به شناسایی و تبیین علایق ژئوپلیتیکی سایر کشورهای حوزه‌ی دریای عمان (پاکستان، عمان و امارات متحده عربی) و هم‌چنین با توجه به شناسایی و تبیین علایق ژئوپلیتیکی سایر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این حوزه، نسبت به اتخاذ و به‌کارگیری سیاست‌های محدود سازی نقش بازیگران رقیب مبادرت نمود و در مقابل با استفاده از قابلیت‌های ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در این حوزه و با اتخاذ سیاست‌های هماهنگ‌سازی و هم‌سو نمودن برنامه‌ها و تلاش‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دفاعی - امنیتی، زمینه ارتقای جایگاه و نقش‌آفرینی ایران در راستای افزایش منافع ملی کشور در حوزه‌ی مورد مطالعه را فراهم کرد و بدین وسیله موازنه ژئوپلیتیکی در حوزه‌ی دریای عمان را به نفع ایران و کشورهای دوست در منطقه رقم زد. بنابراین، رقابت قدرت بین بازیگران سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای و جهانی در حوزه‌ی دریای عمان موجب پدیدار شدن برخی شکاف‌ها و چالش‌ها و هم‌چنین تجانس‌های ساختاری (دینی، تاریخی، فرهنگی، قومی و زبانی) و پتانسیل وابستگی (در زمینه ارتباطات و حمل‌ونقل، فناوری و انتقال انرژی) بین کشورها

خواهد شد که در نتیجه اتخاذ سیاست تقویت نیروهای تجزیه طلب و واگرا (مرکز گریز) در روابط بین کشورها در سطوح مختلف، باعث پدیدار شدن الگوی رفتار خصومت آمیز و در اثر اتخاذ سیاست تقویت نیروهای همگرا در روابط بین کشورها موجب پدید آمدن الگوی رفتار مسالمت آمیز و همسو می گردد. (همان: ۲۳۲)

### مدل مفهومی تحقیق

در ادامه براساس چارچوب نظری و مطالعات محیط شناسی پیش گفته و با بهره گیری از نتایج کیفی حاصل از بررسی تطبیقی وضعیت عوامل و علایق ژئوپلیتیکی کشورهای مؤثر در حوزه دریای عمان در قالب بازیگران داخلی، منطقه ای و فرامنطقه ای حوزه و پس از مشاوره با برخی از افراد صاحب نظر و خبره مرتبط با موضوع، در نهایت ۱۷ عامل ژئوپلیتیکی مرتبط با علایق ژئوپلیتیکی بازیگران مؤثر در حوزه دریای عمان احصا گردید تا در ادامه روند تحقیق به عنوان مبنای مطالعات میدانی مورد استفاده قرار گیرد. در نتیجه، عوامل ۱۷ گانه ژئوپلیتیکی فوق در قالب مدل مفهومی تحقیق به شرح زیر ترسیم گردیده است:



شکل شماره ۱: مدل مفهومی تحقیق

## تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

برای ارزیابی و دستیابی به پاسخ سؤال تحقیق مبنی بر «شناسایی عوامل و علائق ژئوپلیتیکی کشورهای ساحلی و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مؤثر در حوزه‌ی دریای عمان و تعیین میزان تأثیر این عوامل بر تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در این حوزه»، ابتدا بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده از جامعه‌ی آماری در قالب پرسش‌نامه‌ی تحقیق و با استفاده از روش‌های آماری توصیفی، استنباطی و آزمون خی ۲، به توصیف و تجزیه و تحلیل هریک از عوامل مرتبط با وضعیت و علائق ژئوپلیتیکی کشورهای ساحلی و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مؤثر در حوزه‌ی دریای عمان در قالب جداول و نمودارهای توزیع درصد فراوانی و آزمون کای اسکوئر (خی ۲) به شرحی که در ادامه می‌آید، پرداخته شده است و سپس جدول توزیع درصد فراوانی و محاسبه آزمون خی ۲ تمامی عوامل ژئوپلیتیکی مزبور در قالب جدول در یک نگاه به ترتیب اولویت میانگین هر یک از آنها ارائه گردیده است. به دنبال آن نسبت به استانداردسازی عوامل ژئوپلیتیکی و هم‌چنین تعیین میانگین کل از بین میانگین همه‌ی عوامل و تعیین عدد شاخص که از رابطه زیر به دست آمده است، اقدام گردیده و سپس با توجه به مطالعات محیط‌شناسی ژئوپلیتیکی و تحقیقات میدانی انجام شده توسط محقق و مصاحبه صورت گرفته با برخی از افراد خبره و صاحب‌نظر جامعه آماری و هم‌چنین با توجه به نتایج محاسبه آزمون خی ۲ و عدم وجود هیچ‌گونه عاملی که دارای میانگین زیر عدد شاخص مزبور باشد و از میزان تأثیر کمی در تدوین راهبرد دفاعی کشور در حوزه‌ی دریای عمان نیز برخوردار باشد؛ بدین ترتیب، هیچ کدام از عوامل به دلیل دارا بودن میانگین بالاتر از عدد شاخص حذف نگردیده‌اند.

برای بدست آوردن عدد شاخص در این تحقیق از رابطه‌ی زیر استفاده شده است؛

$$\begin{aligned} \bar{M} &= \text{میانگین کل میا:} & \bar{M} &= \text{میانگین کل میا:} \\ \mu &= \text{عدد شاخص} & \mu &= \text{عدد شاخص} \\ \text{Max} &= \text{بالاترین میانگین عامل} & \text{Min} &= \text{پایین‌ترین میانگین عامل} \end{aligned}$$

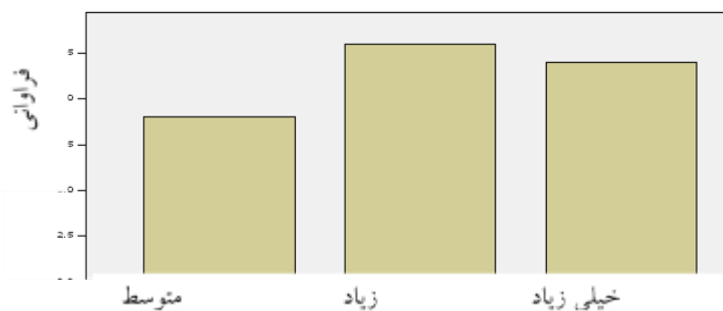
$$\bar{M} = \frac{\text{Max} - \text{Min}}{3} = \frac{4/23 - 3/58}{3} = 3/6$$

متعاقب آن کلیه عوامل ژئوپلیتیکی که دارای میانگین بالای عدد شاخص بودند (۲۰عامل)، در قالب عوامل و علایق ژئوپلیتیکی کشورهای ساحلی و قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای حوزه دریای عمان که بر تدوین راهبرد دفاعی کشور در این حوزه مؤثر می‌باشند، بر حسب ترتیب اولویت میانگین آنها و هم‌چنین با تقسیم نمودن میانگین هر عامل بر مجموع کل میانگین‌های عوامل، وزن هر عامل نیز مشخص گردیده است. بنابراین، در ادامه برای نمونه از بین عوامل و علایق ژئوپلیتیکی ۱۷ گانه مؤثر در حوزه دریای عمان، به توصیف و تحلیل یکی از عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی فوق تحت عنوان عامل ۱، مشتمل بر جدول و نمودار توزیع درصد فراوانی و آزمون کای اسکوئر (خی ۲) آن به شرح ذیل پرداخته می‌شود.

**میزان تأثیر عامل ۱:** وضعیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی کشور پاکستان به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی محیط مورد مطالعه به چه میزان در تدوین راهبرد دفاعی کشور در حوزه دریای عمان مؤثر می‌باشد؟

جدول شماره ۴: توزیع درصد فراوانی میزان تأثیر عامل ۱ در تدوین راهبرد دفاعی کشور

میانگین	درصد فراوانی تراکمی	درصد فراوانی معتبر	درصد فراوانی	فراوانی	طبقه
۴,۰۸۸۲	۲۶,۵	۲۶,۵	۲۶,۵	۹	متوسط
	۶۴,۷	۳۸,۲	۳۸,۲	۱۳	زیاد
	۱۰۰,۰	۳۵,۳	۳۵,۳	۱۲	خیلی زیاد
		۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	۳۴	جمع



نمودار شماره ۱: توزیع درصد فراوانی میزان تأثیر عامل ۱ در تدوین راهبرد دفاعی کشور

## توصیف و تحلیل آزمون عامل ۱

جدول و نمودار فوق نشان‌دهنده آن است که ۲۶/۵ درصد پاسخ‌گویان جامعه‌ی آماری، میزان تأثیر عامل؛ وضعیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی کشور پاکستان به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی حوزه‌ی دریای عمان بر تدوین راهبرد دفاعی کشور در این حوزه را در حد متوسط و ۳۸/۲ درصد پاسخ‌گویان در حد زیاد، و ۳۵/۳ درصد آنها در حد خیلی زیاد دانسته‌اند. هم‌چنین با توجه به انجام آزمون خی ۲ و معنادار نبودن کای اسکوتر (682). این عامل، که بیش از ۰/۰۵ می‌باشد، لیکن به دلیل این‌که ۷۳/۵ درصد جامعه‌ی آماری تأثیر این عامل را در حد بیش از زیاد دانسته‌اند و با استناد به میانگین نسبتاً بالای این عامل (۴/۰۸) و با توجه به نظر مثبت افراد خبره و صاحب‌نظر و بر اساس نتایج مطالعات محیط‌شناسی ژئوپلیتیکی این تحقیق، می‌توان عامل وضعیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی کشور پاکستان را به‌عنوان یک عامل ژئوپلیتیکی مؤثر در تدوین راهبرد دفاعی کشور در حوزه‌ی دریای عمان محسوب نمود.

جدول شماره‌ی ۵: توزیع فراوانی تأثیر عوامل ژئوپلیتیک بازیگران حوزه‌ی دریای عمان بر تدوین راهبرد

دفاعی کشور به ترتیب اولویت میانگین (در یک نگاه)

میانگین	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		عوامل ژئوپلیتیک بازیگران حوزه
	د	ف	د	ف	د	ف	د	ف	د	ف	
4.7353	79.4	27	14.7	5	5.9	2					۱۳- نقش آمریکا به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی فرماندهی در حوزه‌ی دریای عمان
4.6765	70.6	24	26.5	9	2.9	1					۹- قرار گرفتن حوزه‌ی دریای عمان در کانون توجه و علائق ژئوپلیتیکی بازیگران و قدرت‌های منطقه‌ای و فرماندهی
4.2941	47.1	16	38.2	13	11.8	4	2.9	1			۱۷- عضویت کشورهای پاکستان، عمان و امارات متحده عربی در معاهدات نظامی و ایجاد بیمن‌های دفاعی-امنیتی با قدرت‌های منطقه‌ای و فرماندهی
4.2647	47.1	16	35.3	12	14.7	5	2.9	1			۱۲- نقش کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی منطقه پیرامونی در حوزه دریای

میانگین	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		عوامل ژئوپلیتیک بازیگران حوزه
	د	ف	د	ف	د	ف	د	ف	د	ف	
											عمان
4.1471	47.1	16	26.5	9	20.6	7	5.9	2			۲- تأثیر وضعیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی کشور عمان بر حوزه دریای عمان به عنوان یکی از بازیگران اصلی محیط مورد مطالعه
4.0882	35.3	12	38.2	13	26.5	9					۱- تأثیر وضعیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی کشور پاکستان بر حوزه دریای عمان به عنوان یکی از بازیگران اصلی محیط مورد مطالعه
4.0882	29.4	10	50	17	20.6	7					۷- ترویج وهابیت و دامن زدن به اختلافات قومی- مذهبی (بین شیعه و سنی) در کشورهای پیرامونی دریای عمان (به ویژه در امارات و پاکستان)
4.0882	23.5	8	61.8	21	14.7	5					۸- افزایش حضور و فعالیت گروه های تروریستی و شرور در منطقه بلوچستان پاکستان
4.0588	32.4	11	44.1	15	20.6	7	2.9	1			۵- توسعه توانمندی های نظامی امارات، عمان و پاکستان در حوزه دریای عمان
4	29.4	10	52.9	18	5.9	2	11.8	4			۳- تأثیر وضعیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی کشور امارات متحده عربی بر حوزه دریای عمان به عنوان یکی از بازیگران اصلی محیط مورد مطالعه
3.9706	17.6	6	64.7	22	14.7	5	2.9	1			۱۴- نقش کشورهای اتحادیه اروپا به عنوان یکی از بازیگران اصلی فرامنطقه ای در حوزه دریای عمان
3.9412	26.5	9	50	17	14.7	5	8.8	3			۴- عضویت و نفوذ پاکستان، عمان و امارات در اتحادیه های سیاسی و اقتصادی منطقه ای و بین المللی
3.9412	29.4	10	44.1	15	17.6	6	8.8	3			۱۱- نقش عربستان به عنوان یکی از بازیگران اصلی منطقه در حوزه دریای عمان
3.8529	20.6	7	47.1	16	29.4	10	2.9	1			۱۰- نقش کشور هند به عنوان یکی از بازیگران اصلی منطقه در حوزه دریای عمان
3.7941	14.7	5	55.9	19	23.5	8	5.9	2			۶- تأثیر وضعیت امنیت داخلی پاکستان، عمان و امارات بر حوزه دریای عمان
3.6176	20.6	7	23.5	8	52.9	18	2.9	1			۱۶- نقش روسیه به عنوان یکی از

میانگین	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		عوامل ژئوپلیتیک بازیگران حوزه
	د	ف	د	ف	د	ف	د	ف	د	ف	
											بازیگران اصلی فرامنطقه‌ای در حوزه دریای عمان
3.6131	14.7	5	35.3	12	44.1	15	5.9	2			۱۵- نقش چین به عنوان یکی از بازیگران اصلی فرامنطقه‌ای در حوزه دریای عمان

### تحلیل داده‌های عوامل مؤثر ژئوپلیتیک بازیگران حوزه دریای عمان بر حسب آزمون خی ۲

جهت تعیین درصد اطمینان معناداری پاسخ جامعه‌ی آماری به سؤالات پرسش‌نامه در خصوص تعیین عوامل مرتبط با علایق ژئوپلیتیکی کشورهای ساحلی و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مؤثر بر تدوین راهبرد دفاعی کشور در حوزه دریای عمان، برای هر یک از عوامل مزبور از روش آماری آزمون خی ۲ (کای اسکوئر) استفاده شده که نتایج آن به شرح جدولی که در ادامه آمده، می باشد. بنابراین، برای اینکه معلوم گردد که آیا نظرات پاسخ‌گویان دارای تفاوت معنادار بوده یا پاسخ‌ها به صورت اتفاقی و از روی شانس داده شده است، از روش آماری کای اسکوئر (خی ۲) نیز استفاده گردید. بنابراین، ارقام جدول فوق نشان‌دهنده آن است که معناداری گویه‌های شماره‌ی ۱ و ۷، از معناداری در سطح آلفای ۰/۰۵ بزرگ‌تر است؛ بدین ترتیب، پاسخ به این گویه‌ها دارای تفاوت معنادار نیست. البته از آنجا که آزمون خی ۲ و معناداری کای اسکوئر این عوامل بیش از ۰/۰۵ می باشد، لیکن به دلیل این که جامعه‌ی آماری تأثیر عوامل فوق را در حد بیش از زیاد دانسته‌اند و با استناد به میانگین نسبتاً بالای این عوامل و با توجه به نظر مثبت افراد خبره و صاحب نظر در مورد تأثیر این عوامل و هم‌چنین براساس نتایج مطالعات محیط‌شناسی ژئوپلیتیکی این تحقیق، عوامل مزبور (عوامل ۱ و ۷) به عنوان عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر در تدوین راهبرد دفاعی کشور در حوزه دریای عمان محسوب می گردند.

جدول شماره‌ی ۶: درصد اطمینان معناداری پاسخ جامعه‌ی آماری (آزمون خی ۲)

ردیف	عوامل ژئوپلیتیک بازیگران حوزه	کای اسکوئر	درجه آزادی	معناداری
۱	تأثیر وضعیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ر پاکستان بر حوزه دریای عمان به عنوان یکی از بازیگران اصلی محیط مورد مطالعه	.765	2	.682
۲	تأثیر وضعیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی عمان بر حوزه دریای	12.765	2	.002



ردیف	عوامل ژئوپلیتیک بازیگران حوزه	کای اسکور	درجه آزادی	معناداری
	عمان به عنوان یکی از بازیگران اصلی محیط مورد مطالعه			
۳	تأثیر وضعیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی امارات بر حوزه دریای عمان به عنوان یکی از بازیگران اصلی محیط مورد مطالعه	18.235	3	.000
۴	عضویت و نفوذ پاکستان، عمان و امارات در اتحادیه‌های سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی	13.529	3	.004
۵	توسعه توانمندی‌های نظامی امارات، عمان و پاکستان در حوزه دریای عمان	12.588	3	.006
۶	تأثیر وضعیت امنیت داخلی کشورهای پاکستان، عمان و امارات بر حوزه دریای عمان	19.412	3	.000
۷	ترویج وهابیت و دامن زدن به اختلافات قومی - مذهبی (بین شیعه و سنی) در کشورهای پیرامونی دریای عمان (به ویژه امارات و پاکستان)	4.647	2	.098
۸	افزایش حضور و فعالیت گروه‌های تروریستی و شرور در منطقه بلوچستان پاکستان	11.882	3	.008
۹	قرار گرفتن حوزه دریای عمان در کانون توجه و علایق ژئوپلیتیکی بازیگران و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای	24.059	2	.000
۱۰	نقش هند به عنوان یکی از بازیگران اصلی منطقه پیرامونی در حوزه دریای عمان	13.765	3	.003
۱۱	نقش عربستان به عنوان یکی از بازیگران اصلی منطقه پیرامونی در حوزه دریای عمان	9.529	3	.023
۱۲	نقش کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به عنوان یکی از بازیگران اصلی منطقه پیرامونی در حوزه دریای عمان	16.118	3	.001
۱۳	نقش آمریکا به عنوان یکی از بازیگران اصلی فرامنطقه‌ای در حوزه دریای عمان	32.882	2	.000
۱۴	نقش کشورهای اتحادیه اروپا به عنوان یکی از بازیگران اصلی فرامنطقه‌ای در حوزه دریای عمان	30.235	3	.000
۱۵	نقش چین به عنوان یکی از بازیگران اصلی فرامنطقه‌ای در حوزه دریای عمان	12.824	3	.005
۱۶	نقش روسیه به عنوان یکی از بازیگران اصلی فرامنطقه‌ای در حوزه دریای عمان	17.529	3	.001
۱۷	عضویت پاکستان، عمان و امارات در معاهدات نظامی و ایجاد پیمان‌های دفاعی - امنیتی با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای	18.000	3	.000

### نرمال‌سازی و تعیین وزن عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی بازیگران حوزه‌ی دریای عمان

در پی محاسبه صورت گرفته برای تعیین عدد شاخص که معادل عدد ۳/۶ گردید، مشاهده شد که هیچ یک از عوامل دارای میانگین پایین‌تر از عدد شاخص فوق نبوده و لذا همه عوامل ژئوپلیتیکی دارای میانگین بالاتر از عدد شاخص می‌باشند. بنابراین، تمامی عوامل مزبور مرتبط با علائق ژئوپلیتیکی کشورهای ساحلی و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حوزه‌ی دریای عمان بر تدوین راهبرد دفاعی کشور در این حوزه مؤثر می‌باشند که به شرح جدول زیر پس از نرمال‌سازی عوامل بر حسب اولویت میانگین آنها و همچنین تعیین وزن هر عامل که با تقسیم‌نمودن میانگین آن عامل بر مجموع کل میانگین‌های عوامل به دست آمده است، تعیین گردیده‌اند.

جدول شماره‌ی ۷: عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی بازیگران حوزه‌ی دریای عمان بر حسب وزن و اولویت میانگین

ردیف	عوامل ژئوپلیتیکی بازیگران حوزه	میانگین	وزن
۱۳	نقش ایالات متحده آمریکا به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی فرامنطقه‌ای در حوزه دریای عمان	4.7353	0.0685
۹	قرار گرفتن حوزه دریای عمان در کانون توجه و علائق ژئوپلیتیکی بازیگران و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای	4.6765	0.0676
۱۷	عضویت پاکستان، عمان و امارات در معاهدات نظامی و ایجاد پیمان‌های دفاعی - امنیتی با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای	4.2941	0.0621
۱۲	نقش کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی منطقه پیرامونی در حوزه دریای عمان	4.2647	0.0617
۲	تأثیر وضعیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی عمان بر حوزه دریای عمان به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی محیط مورد مطالعه	4.1471	0.0600
۸	افزایش حضور و فعالیت گروه‌های تروریستی و شرور در منطقه بلوچستان پاکستان	4.0882	0.0591
۱	تأثیر وضعیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی پاکستان بر حوزه دریای عمان به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی محیط مورد مطالعه	4.0882	0.0591
۷	ترویج وهابیت و دامن زدن به اختلافات قومی - مذهبی (بین شیعه و سنی) در کشورهای پیرامونی دریای عمان (به‌ویژه در امارات و پاکستان)	4.0882	0.0591
۵	توسعه‌ی توانمندی‌های نظامی امارات متحده عربی، عمان و پاکستان در حوزه دریای عمان	4.0588	0.0587
۳	تأثیر وضعیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی امارات بر حوزه دریای عمان به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی	4	0.0578

0.0574	3.9706	نقش کشورهای اتحادیه اروپا به عنوان یکی از بازیگران اصلی فرامنطقه‌ای در حوزه دریای عمان	۱۴
0.0570	3.9412	عضویت و نفوذ پاکستان، عمان و امارات در اتحادیه‌های سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی	۴
0.0570	3.9412	نقش کشور عربستان سعودی به عنوان یکی از بازیگران اصلی منطقه پیرامونی در حوزه دریای عمان	۱۱
0.0557	3.8529	نقش کشور هند به عنوان یکی از بازیگران اصلی منطقه پیرامونی در حوزه دریای عمان	۱۰
0.0549	3.7941	تأثیر وضعیت امنیت داخلی کشورهای پاکستان، عمان و امارات متحده عربی بر حوزه دریای عمان	۶
0.0523	3.6176	نقش کشور روسیه به عنوان یکی از بازیگران اصلی فرامنطقه‌ای در حوزه دریای عمان	۱۶
0.0522	3.6131	نقش کشور چین به عنوان یکی از بازیگران اصلی فرامنطقه‌ای در حوزه دریای عمان	۱۵
1	69.1718	جمع	

#### ارزیابی تحلیل داده‌های مرتبط با سؤال تحقیق

با توجه به تجزیه و تحلیل فوق و تبیین عوامل مرتبط با علایق ژئوپلیتیکی کشورهای ساحلی و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حوزه دریای عمان و تعیین میزان تأثیر این عوامل بر تدوین راهبرد دفاعی کشور در حوزه مزبور (به شرح جدول شماره ۷ پیش گفته)، می‌توان چنین جمع‌بندی نمود که موارد فوق در واقع پاسخ مناسبی به سؤال تحقیق مبنی بر چیستی عوامل و علایق ژئوپلیتیکی مرتبط با مسائل دفاعی کشورهای ساحلی و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مؤثر در حوزه دریای عمان و همچنین تعیین میزان تأثیر این عوامل بر تدوین راهبرد دفاعی کشور در این حوزه می‌باشد.

#### نتیجه‌گیری

سؤال تحقیق؛ عوامل و علایق ژئوپلیتیکی مرتبط با مسائل دفاعی کشورهای ساحلی و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مؤثر در حوزه دریای عمان کدامند و تأثیر این عوامل بر تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در این حوزه به چه میزان است؟ در پاسخ به

سؤال فوق، با توجه به مطالعات نظری، محیط‌شناسی ژئوپلیتیکی و تحقیقات میدانی صورت گرفته در حوزه‌ی دریای عمان و همچنین با توجه به یافته‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل انجام شده به شرح موارد پیش‌گفته، مؤثرترین عوامل و علایق ژئوپلیتیکی مرتبط با مسائل دفاعی کشورهای ساحلی و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حوزه‌ی دریای عمان در قالب ۱۷ عامل ژئوپلیتیکی (به شرح جدول شماره‌ی ۷ پیش‌گفته) خواهد بود که میزان تأثیر این عوامل بر تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در حوزه مزبور، بر حسب وزن و اولویت میانگین هر یک از عوامل نیز تعیین گردیده است. به گونه‌ای که عامل، «نقش آمریکا به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی فرامنطقه‌ای در حوزه‌ی دریای عمان» با میانگین ۴/۷ و وزن ۰/۰۶۸۵ دارای بیشترین میزان تأثیر و عامل؛ «نقش کشور چین به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی فرامنطقه‌ای در حوزه‌ی دریای عمان» با میانگین ۳/۶ و وزن ۰/۰۵۲۲ دارای کم‌ترین میزان تأثیر بر تدوین راهبرد دفاعی کشور در این حوزه می‌باشند.

پیشنهاد: به طراحان دفاعی کشور یا سایر پژوهشگرانی که در آینده قصد تدوین راهبرد دفاعی کشور در حوزه‌ی دریای عمان را دارند، پیشنهاد می‌شود با توجه به دقت بالای این تحقیق و به منظور جلوگیری از اتلاف زمان و عدم تکرار مسیر طی شده، می‌توانند از نتایج به‌دست آمده در این تحقیق در جهت تدوین راهبرد مزبور استفاده نمایند.

## منابع

## فارسی

- ۱- اعظمی، هادی، (پاییز و زمستان ۱۳۸۵)، «وزن ژئوپلیتیکی و نظام قدرت منطقه‌ای (بررسی موردی: جنوب غرب آسیا)»، تهران، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، شماره‌ی سوم و چهارم.
- ۲- افشار (سیستانی)، ایرج، (۱۳۷۶)، «جغرافیای تاریخی دریای پارس»، تهران، انتشارات سوره.
- ۳- امامی، محمدعلی، (۱۳۸۵)، «عوامل تأثیرگذار خارجی در خلیج فارس»، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ سوم.
- ۴- پورمهرانی، مهران، (۱۳۸۹)، «چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در مرزهای پیرامونی»، تهران، نشر نوآور.
- ۵- تقوی اصل، عطا، (۱۳۸۷)، «ژئوپلیتیک جدید ایران: از قزاقستان تا گرجستان»، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ سوم.
- ۶- چگینی، حسن، (۱۳۸۴)، «نظام مدیریت استراتژیک دفاعی»، جلد اول، تهران، نشر آجا.
- ۷- چگینی، حسن، (۱۳۸۴)، «نظام مدیریت استراتژیک دفاعی»، جلد دوم، تهران، نشر آجا.
- ۸- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۷۱)، «خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه‌ی هرمز»، تهران، انتشارات سمت (چاپ و نشر علامه طباطبایی).
- ۹- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، «اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک»، مشهد، انتشارات پاپلی.
- ۱۰- حافظ‌نیا، محمدرضا و رشید، غلامعلی و پرهیزکار، اکبر و افشردی، محمدحسین، (۱۳۸۶)، «مقاله: الگوی نظری طراحی راهبرد دفاعی مبتنی بر عوامل ژئوپلیتیکی»، تهران، فصلنامه‌ی بین‌المللی ژئوپلیتیک (علمی - پژوهشی)، سال سوم، شماره‌ی دوم.
- ۱۱- حیدری، محمد و محمدی، حمیدرضا، (۱۳۸۶)، «تحولات ژئوپلیتیکی دهه‌ی پایانی قرن بیستم و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، تهران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره‌ی دوم.
- ۱۲- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، (۱۳۸۷)، «عمان»، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

- ۱۳- رشید، غلامعلی، (۱۳۸۶)، «نقش عوامل ژئوپلیتیک در راهبرد دفاعی (مطالعه‌ی موردی؛ ایران نسبت به عراق)»، رساله‌ی دکتری جغرافیای سیاسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۴- رضایی، محسن، (۱۳۸۴)، «ایران منطقه‌ای»، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ دوم.
- ۱۵- رنجبر، مقصود، (۱۳۷۸)، «ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران، پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
- ۱۶- عزتی، عزت‌اله و ویسی، هادی، (تابستان ۱۳۸۵)، «تحلیل ژئوپلیتیک و ژئواکونومی خط لوله‌ی گاز ایران- هند»، تهران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره‌ی دوم.
- ۱۷- قاسمی نراقی، علی اصغر، (۱۳۷۸)، «شورای همکاری خلیج فارس»، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۸- لطفیان، سعیده، (۱۳۷۶)، «استراتژی و روش‌های برنامه‌ریزی استراتژیک»، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۱۹- متقی، ابراهیم، (زمستان ۱۳۸۵)، «فرآیندهای تحول در ساختار و کارکرد دیپلماسی دفاعی آمریکا»، تهران، فصلنامه‌ی راهبرد دفاعی، سال چهارم، شماره‌ی ۱۴.
- ۲۰- مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۷۹)، «ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی»، تهران، نشر نی.
- ۲۱- معاونت اطلاعات آجا، (۱۳۸۲)، «برآورد اطلاعات راهبردی شماره ۲۴ کشور امارات متحده عربی»، تهران.
- ۲۲- معاونت اطلاعات آجا، (۱۳۸۸)، «برآورد اطلاعات راهبردی شماره ۱۴ کشور سلطان‌نشین عمان»، تهران.
- ۲۳- نامی، محمدحسن، (۱۳۸۸)، «جغرافیای کشور پاکستان با تأکید بر ایالت بلوچستان»، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۲۴- نوذری، فضل‌الله، (۱۳۹۱)، «تعیین عوامل ژئوپلیتیک حوزه دریای عمان و تأثیر آن بر تدوین راهبرد دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، رساله‌ی دکتری علوم دفاعی راهبردی، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.

#### انگلیسی

- 25- Yorke, Valerie and Turner, Louis, (1986), «European Interests and (Persian) Gulf Oil», Policy Studies Institute And Royal Institute of International Affairs, (Published by England and U.S.A), PP. 75-81.